

تأثیر انقلاب اسلامی بر خیزش‌های

مردمی در کشورهای عربی خاورمیانه

نوالدین اکبری کریم‌آبادی^۱

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، پیامدهای مستقیم و غیرمستقیمی بر نظام بین‌الملل و عناصر و فرآیندهای درونی آن داشت. خروج ایران از اردوگاه غرب و تقابل اساسی با نظام بین‌الملل، تأثیرات عمیقی بر معادلات منطقه‌ای وارد کرد. عامل بسیاری از این تأثیرات را می‌بایست در ویژگی‌های منحصر به فرد این انقلاب، چه در بعد نظری و چه در بعد اجرایی جست‌وجو نمود.^۲ اگرچه قرن بیستم شاهد تحولات وقایع متنوعی از این جنس و در این سطح بود، اما هیچ کدام از این وقایع در چنین گستره‌ای بازتاب نداشت و تأثیرگذار نبود. از جمله ویژگی‌های تأثیرگذار و حیرت‌آور انقلاب اسلامی برای غرب و حتی جهان اسلام، احیای افکار و اندیشه‌های اسلامی در سراسر جهان بود. تلاش و برنامه‌های غرب

۱. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت‌مدرس

۲. ماهیت ایدئولوژیک و هویت اسلامی انقلاب ایران باعث شد تا نظام برگرفته از آن دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی باشد که در ابعاد بین‌المللی، از دیگر انقلاب‌ها و نظام‌های سیاسی جهان متمایز و تأثیرگذاری آن نیز بر دیگر ملل جهان به ویژه مردم مسلمان منطقه از یک سو و نیز بر سیاست‌های نظام سلطه جهانی از سوی دیگر، کاملاً چشم‌گیر باشد.





از جمله ویژگی‌های تأثیرگذار و حیرت‌آور انقلاب اسلامی برای غرب و حتی جهان اسلام، احیای افکار و اندیشه‌های اسلامی در سراسر جهان بود

تا آن روز صرف شده بود که ریشه‌های اسلام در جوامع مختلف خشکانده شده و مفاهیم و آموزه‌های آن تقلیل یابد. بر همین اساس دایماً بر این نکته تأکید می‌شد که باید اسلام را در صفحات تاریخ جست‌وجو کرد، چرا که دیگر اثری از آن در جوامع باقی نمانده است. البته در این راه تلاش‌های آتاتورک نهایت بهره‌برداری را در راستای حذف اسلام از جوامع برای غرب ارایه کرده و تمام امیدها را برای بازگشت به اسلام از میان برده بود.

مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی برای احیای ارزش‌ها و آگاهی‌های اسلامی، القای تفکر اسلام سیاسی بود.^۱ اسلامی که به زعم بسیاری در صفحات کهن تاریخ، فرتوت شده و از اذهان رخت بر بسته بود، اینک با هسته‌ای قدرتمند و امواجی فراتر از مرزهای ملی بازگشته و به جریان افتاده بود. در واقع، پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که ادیان و به ویژه دین اسلام با گذشت زمان و توسعه مدرنیزاسیون نه تنها به پایان راه نرسیده‌اند، بلکه مجدداً به عنوان مهم‌ترین راه نجات بشریت از ظلم و بیدادگری احیاشده و دنیای مادی‌گرای معنویت‌گریز را متوقف ساخته و دریچه‌ای از معنویات و اعتقادات مذهبی در راستای رستگاری و رهایی بشر از قید قدرت‌های استعمارگر گشوده است. سلسله تحولاتی که در ایران رخ می‌داد، علاوه بر تغییرات بنیادین در نظام سیاسی و جامعه ایران، فراسوی مرزها نیز حرکت می‌کرد و بقای خود را در گسترش ایدئولوژی در ابعاد جهانی می‌دید. به اعتراف دوستان و دشمنان، مخالفان و موافقان انقلاب، بیشترین تأثیر این انقلاب در جهان اسلام و عرب مشهود است. در بخشی از این منطقه، انقلاب منبع الهام و تحرک و برای برخی دیگر انقلاب اسلامی ایران و امواج حاصل از آن منبع تهدید جدی ثبات بوده است.

هراس دولت‌های خاورمیانه و عرب، ناشی از احساس جنبه‌های تهدیدی انقلاب اسلامی بوده است. تمامی کسانی که از مادی‌گرایی افراطی در رویکرد به غرب، نفرت و انزجار پیدا کرده بودند، با پیروزی انقلاب اسلامی شادمان گشته، تشویق شده و روحیه و هویت جدیدی یافتند. در حقیقت انقلاب اسلامی برای

۱. منوچهر محمدی، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۲۴.

مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی برای احیای ارزش‌ها و آگاهی‌های اسلامی، القای تفکر اسلام سیاسی بود. اسلامی که به زعم بسیاری در صفحات کهن تاریخ، فروتن شده و از اذهان رخت بر بسته بود، اینک با هسته‌ای قدرتمند و امواجی فراتر از مرزهای ملی بازگشته و به جریان افتاده بود

آنها الهام‌بخش بوده و موجب حرکت‌های نوین و قابل ملاحظه‌ای در جهان اسلام شد که در آن تفاوت‌های عمده شکلی و محتوایی در آنچه در گذشته رخ می‌داد می‌توان یافت. در گذشته جوامع اسلامی و رهبران آنها در مقابل امواج تجدیدگرایی و غرب‌زدگی حالتی منفعلانه داشتند. پیروزی انقلاب اسلامی آموزه جدیدی در بعد نظری و عملی در اختیار آنها قرار داد که از مواضع انفعال خارج شده، بیدار شوند و خود را در حالت تهاجمی و دارای نقش بازیگری قرار دهند.

بیداری اسلامی به عنوان یک پدیده متأثر از نهضت فکری جمهوری اسلامی، در عصر امروز در قالب یک جنبش اجتماعی و سازمانی ظاهر شده است. این جریان در عرصه منازعات سیاسی و امنیتی علاوه بر اینکه موجودیت و نفوذ خود را به اثبات رسانیده، می‌رود تا به قدرت بلامنازع نقش‌آفرین در سطح جهانی تبدیل شود. بدون تردید انقلاب اسلامی عامل عمده بیداری اسلامی است و نقش ویژه‌ای در روند بیداری ملل مسلمان منطقه ایفا کرده است. پدیده انقلاب اسلامی، پس از چند سده به شکل عملی و عینی، اسلام و جوامع اسلامی را از انزوا و سکون خارج کرد. انرژی آزادشده از آن به عنوان موتور محرکه همه تحرکات و خیزش جریان‌ها و جنبش‌های اسلامی از یک سو مردم مسلمان منطقه را به حق و حقوق و توانایی‌های خود آگاه کرد و از سوی دیگر طلسم شکست‌ناپذیر بودن غول استبداد و اختاپوس استعمار و امپریالیسم را ابطال نمود و این مسئله خود جسارت و اعتماد به نفس را به ملت‌های منطقه برگرداند. در چنین وضعیتی بود که به تعبیر اقبال لاهوری تهران قرارگاه مسلمانان شد و جمهوری اسلامی در فرآیند ظهور، تثبیت و توسعه خود در داخل، به عامل منحصر به فردی در احیاء پایداری و توسعه بیداری اسلامی، و در شرایط کنونی به مرکز سازماندهی تمدن نوین اسلامی تبدیل شد. جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اصل استقلال از قدرت‌های شرقی و غربی و تکیه بر عزم و اراده ملی، نه تنها با تزلزل مواجه نشده بلکه توانسته در عرصه‌های مختلف به توسعه و پیشرفت دست یابد که نمود آن را در بیشتر نام‌های علمی و حتی در زمینه‌های هسته‌ای، نظامی، اقتصادی و... می‌توان مشاهده کرد. انقلاب





اسلامی در چارچوب جمهوری اسلامی ایران و گفتمان انقلاب اسلامی باز تولید شده و استمرار می‌یابد. تداوم انقلاب اسلامی به مثابه استمرار تأثیرات و پیامدهای منطقه‌ای و جهانی آن است. از این رو، پیام‌ها و بازتاب‌های انقلاب اسلامی امروزه بیش از گذشته نظام منطقه‌ای خاورمیانه و نظام بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده است؛ به طوری که انقلاب اسلامی ایران در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران یک عنصر و عامل تعیین‌کننده سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. اینکه انقلاب اسلامی که خود از دل مذهب بیرون آمده است به احیاء دین و تجدد حیات اسلامی در ایران و جهان مدد رسانده است در تولد، تجدید حیات و تداوم جریان‌ها و جریان سیاسی اسلام معاصر در سه دهه اخیر نقش کلیدی داشته است، مورد اتفاق نظر تمام محافل سیاسی جهان اعم از دوستداران ایران، رقیبان و کشورهای خصم است. لذا با توجه به آنچه گفته شد، پرسش‌های اصلی و مهم این مقاله این است که انقلاب اسلامی چگونه بر جریان‌ها و جنبش‌های پیش‌برنده پدیده‌های اسلامی و نیز حرکت‌ها و خیزش‌های مردمی کشورهای عربی خاورمیانه تأثیر گذاشته است؟ ابعاد و آثار و این تأثیرات کدام‌اند؟ و چشم‌انداز آینده تحولات مربوط به بیداری اسلامی کنونی جهان عرب به چه سمت و سویی خواهد رفت؟

ماهیت تحولات و خیزش‌های اخیر در کشورهای عربی منطقه

حوادث و تحولات اخیر در جهان عرب که از اعتراضات مردمی در تونس آغاز و دامنه آن به کشورهای مصر، یمن، اردن، بحرین، لیبی و... کشیده شد، برخی از نقد و تحلیل‌ها را پیرامون ماهیت این تحولات علل، انگیزه‌ها و زمینه‌های رخداد‌های گذشته و حال در کشورهای یادشده مطرح می‌کند. در این خصوص تحلیل‌ها و تفسیرهای متفاوتی ارائه شده است. بسیاری از تحلیل‌گران بروز این حوادث و جنبش‌ها را نتیجه و معلول ساختار استبدادی دولت‌های این جوامع می‌دانند و معتقدند که اعراب به خصوص جوانان دریافته‌اند که ریشه اصلی مشکلات آنان در استبداد و ساختار استبدادی نهفته است. آنها به درستی متوجه شده‌اند که حاکمیت نظام‌های موروثی، خواه پادشاهی یا به نام جمهوری مبتنی بر تمرکز قدرت و ذاتاً مستبد و تمامیت‌خواه بوده که نه می‌خواهد و نه می‌تواند عدالت‌گستر و پاسخگوی مطالبات مردم خود باشد؛ لذا تمام این خیزش‌ها در کشورهایی شکل گرفته که دارای رژیم‌های پلیسی یا استبدادی هستند که ساختار این رژیم‌ها خود

بسیاری از کارشناسان و حتی تحلیل‌گران غربی به این موضوع اشاره کرده‌اند که انقلاب‌ها در جهان عرب ماهیتی اسلامی دارند و با بررسی ماهیت مطالبات مردم آزادی‌خواه و عدالت‌طلب در کشورهای عربی و نگاهی گذرا به اصول اسلام می‌توان ماهیت اسلامی این انقلاب‌ها را اثبات کرد

به یکی از کاتالیزورهای مهم شکل‌گیری اعتراضات تبدیل شده است. برخی نظریه‌پردازان، گسترش خیزش‌های مردم منطقه را در راستای نظریه دومینو تفسیر می‌کنند که در آن هرگونه موفقیت معترضان برای تغییر نظام سیاسی رژیم‌های خودکامه، می‌تواند به سایر نظام‌های مستبد منطقه نیز سرایت کند.^۱ این تحولی مهم در جهان عرب بوده که نتیجه آن را در تونس و مصر دیدیم و از این پس، آثار عملی و عمیق آن را در دیگر کشورها مانند یمن، اردن، الجزایر و لیبی شاهد خواهیم بود. حبیب بورقیبه و

زین‌العابدین بن‌علی طی شش دهه در تونس و انورسادات و حسنی مبارک نزدیک به چهار دهه در مصر، اجازه ندادند جامعه مدنی قوی که بتواند مطالبات مردم را به حاکمیت و رأس ساختار سیاسی منتقل و عملی سازد، شکل بگیرد. در چهار کشور دیگر نیز اجازه تأسیس احزاب، رسانه‌ها، مطبوعات، اصناف و سایر نهادهای جامعه مدنی داده نشد. دولت‌های این کشورها که امروز در مقابل شورش‌های مردمی قرار گرفته‌اند، دولت‌های اقتدارگرا و استبدادی هستند. اینها دولت‌هایی هستند که از ابتدای شکل‌گیری، تجربه دموکراسی نداشته، نهادهای دموکراتیک در آنها شکل نگرفته و جامعه مدنی قوی ندارند. ابزارهای اقتصادی در آنجا در انحصار دولت بوده و یک شخص یا یک گروه یا یک حزب با کمک نهادهای امنیتی و دستگاه سرکوب بسیار قوی در کشورها و جوامع عربی حکومت کرده و می‌کنند. حکومت در این جوامع، کاملاً یک‌جانبه و تک‌صدایی است. این جوامع، عمدتاً جوامعی هستند که تجربه پلورالیسم یا تکثرگرایی را نداشته‌اند و به همین دلیل نیروهای جدید اجتماعی و سیاسی خواهان تغییر در «ساخت سیاسی» هستند؛ چون در ساختار سیاسی اقتدارگرا، که یک گروه یا یک شخص با کمک دستگاه سرکوب قدرت را در انحصار خود درآورده، جایی برای حضور نیروهای جدید در ساختار قدرت، باز نمی‌شود.

این نوع ساختار قدرت متمرکز، موجب جدایی بیشتر پیروان ادیان مختلف

۱. مصطفی دلاورپور اقدم و سعید فردی‌پور، خیزش‌های مردمی خاورمیانه و ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۹۰، ص ۲.



برخی از کارشناسان مسلمان معتقدند انقلاب‌ها در کشورهای عربی ریشه‌ای اسلامی دارند چون یک سری از مطالبات مردم در کشورهای عربی از جمله مبارزه با حکومت‌های دیکتاتوری و عدالت‌خواهی در راستای اصول دین اسلام است

مانند مسیحیان و مسلمانان در مصر و سودان و خواست آنها برای تجزیه کشور (چیزی که در سودان اتفاق افتاد) می‌شود و باعث تحقیر روزافزون شهروندان می‌گردد (چیزی که در تونس پیش آمد و آن، خودسوزی جوان تونسی بود که یک پلیس زن سیلی به گوشش نواخت و چرخ میوه‌فروشی‌اش را توقیف کرد). در ساختار استبدادی اعراب که مستقل نبوده و به بیگانگان (مشخصاً امریکا) وابسته است، انتخابات سالم و آزاد برگزار نشده و نمی‌شود و جامعه به جای آنکه به شیوه جمهوری اداره شود به شیوه فردی و پادشاهان خودکامه اداره می‌شود. این افراد که در واقع پادشاه هم نیستند وظایف خود را در قبال ملت خویش انجام نمی‌دهند، پاسخگو نیستند و برای ساکت کردن صدای مردم و یا بی‌اعتبار کردن اعتراضات آنان، به قتل و بازداشت و شکنجه و زندان متوسل می‌شوند. حتی ممکن است خود، به ناامنی و غارت و خشونت دست بزنند؛ همان‌گونه که در روز دهم بهمن‌ماه ۱۳۸۹ در برخی شهرهای مصر روی داد.

از دیدگاه صاحب‌نظران و تحلیل‌گران، ویژگی مشترک حکومت و ساختار سیاسی کشورهای عربی این است که وقتی فردی در رأس حاکمیت قرار می‌گیرد دیگر حاضر به ترک قدرت نیست زیرا خود را بهترین تأمین‌کننده خواسته‌های مردم و منافع ملی می‌داند. اگر انتخاباتی برگزار شود همیشه فرد در رأس قدرت و گروه و حزب او، برنده نتیجه انتخابات هستند. با برپایی این گونه انتخابات فرمایشی، افرادی مانند صدام حسین، بن‌علی، حسنی مبارک، عبدالله صالح، بوتفلیقه و معمر قذافی با رأی بالاتر از ۸۰ درصد به قدرت می‌رسند و خود را رؤسای جمهوری قانونی می‌دانند. در این کشورها هر نوع انتقاد و مخالفت با رئیس حکومت و سیاست‌های حاکم بر کشور، براندازی تلقی شده و حق مخالفت یا حتی انتقاد از دولت در عمل به رسمیت شناخته نمی‌شود. رادیو و تلویزیون و رسانه‌های اصلی در اختیار جریان حاکم است و اکثریت مردم در آن سهمی ندارند. آزادی واقعی مطبوعات و احزاب یک رؤیا است و آزادی بیان در تعریف و تمجید از حکومت و سیاست‌های آن در حد اعلا به چشم می‌خورد. در این کشورها با ساختار استبدادی، وجود زندانیان سیاسی و بی‌حرمتی به خانواده‌های آنها یک پدیده عادی است. آزادی‌های مذهبی

با قرائت حکومتی و دولتی، وجود دارد و دین و مذهبی که مردم را به مخالفت با ظلم و جور فرا بخواند، ممنوع است. خطبا و مبلغان مذهبی اگر به آنچه بر ملت می‌رود کاری نداشته باشند و در هر منبر و محراب برای سلطان مسلمین و «فخامه الرئیس» دعا کنند، می‌توانند به فعالیت بپردازند؛ در غیر این صورت باید به کنج خانه‌ها یا مدارس پناه ببرند. مهمترین مشکل این نوع حکومت‌ها وجود جوانان، دانشجویان، دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز علمی است. آن‌ها در حرف به آزاداندیشی خیلی بها می‌دهند تا جایی که نتیجه آن تثبیت موقعیت حاکمان باشد. نهادهای امنیتی و نظامی بیشترین قدرت را در جامعه دارند و تکیه حکومت بر شیوه‌های پلیسی با هدف کنترل مردم است.

هیچ سازوکاری برای کنار گذاشتن قانونی افراد در رأس ساختار سیاسی استبدادی وجود ندارد و تنها مرگ، کودتا، جنبش‌های گسترده مردمی یا فشار نظام بین‌الملل و حمله خارجی می‌تواند به عمر آنها پایان دهد.^۱ بنابراین، مردم به ویژه طبقه متوسط و در کنار آن جو جهانی و ساختار نظام بین‌المللی و الزامات ناشی از جهانی شدن، ساختار سیاسی کهنه کشورهای عربی را بر نمی‌تابد و می‌توان پیش‌بینی کرد که در همه این کشورها، تحول حتمی است اما سطح این تحول - این که به تغییر کامل ساختار سیاسی منجر شود یا اصلاح ساختار و یا تغییر مهره‌ها و چهره‌ها اتفاق بیفتد - را نمی‌توان پیش‌بینی کرد. برخی دیگر از دلایل عمده قیام‌های مزبور را بحران‌های اقتصادی به طور عام و اقتصاد معیشتی خانواده‌ها به طور خاص ذکر می‌کنند؛ دلایلی همچون معضل فقر، بیکاری، مسکن، مهاجرت و... را به عنوان ماهیت اصلی و ریشه‌ای این قیام‌ها ذکر می‌کنند.^۲ اما آنچه بیش از پیش واقعیت این تحولات را آشکار می‌سازد اعتراف و اظهار نظر سران کشورهای غربی در خصوص سیر حرکت این تحولات و جنس خیزش و جنبش‌های اخیر مردم در منطقه است. واقعیتی که روند الگوسازی انقلاب اسلامی و تأثیرپذیری مردم مسلمان کشورهای منطقه از الگوی توانمندی تحت عنوان جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد. بسیاری از کارشناسان و حتی تحلیل‌گران غربی به این موضوع اشاره کرده‌اند که انقلاب‌ها در جهان عرب ماهیتی اسلامی دارند و با بررسی ماهیت مطالبات مردم آزادی‌خواه و عدالت‌طلب در کشورهای

۱. حسین علائی، آینده، ۱۳۸۹/۱۱/۱۰.

۲. سید مجتبی منتظری، ماهیت قیام‌های خاورمیانه، خراسان، ۱۳۹۰/۲۴/۱، ش ۱۷۸۰۹، ص ۶.





عربی و نگاهی گذرا به اصول اسلام می‌توان ماهیت اسلامی این انقلاب‌ها را اثبات کرد.

به گزارش سایت خبری «الف»، یوسف فرناندز در مطلبی در پایگاه اینترنتی «اسلام آن لاین» در مورد اسلامی بودن انقلاب‌ها در جهان عرب و همچنین تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر انقلاب کشورهای عربی نوشت:

از زمان آغاز این انقلاب‌ها در جهان عرب به ویژه در تونس و مصر، برخی از روزنامه‌نگاران و کارشناسان در مورد تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر انقلاب‌های کشورهای عربی بحث و تبادل نظر کرده‌اند و اکثراً آنها معتقدند که نمی‌توان تأثیر انقلاب ایران بر انقلاب‌ها در جهان عرب را نادیده گرفت. با این حال سیاستمداران وابسته به غرب و رژیم صهیونیستی تلاش می‌کنند هرگونه ارتباط میان انقلاب اسلامی ایران و انقلاب‌ها در کشورهای عربی را رد کنند.^۱

ایهود باراک وزیر جنگ رژیم صهیونیستی اخیراً مقایسه سرنگونی رژیم حسنی مبارک در مصر با سرنگونی حکومت شاه ایران در سال ۱۹۷۹ را رد کرد. اما برخی از کارشناسان مسلمان معتقدند انقلاب‌ها در کشورهای عربی ریشه‌ای اسلامی دارند چون یک سری از مطالبات مردم در کشورهای عربی از جمله مبارزه با حکومت‌های دیکتاتوری و عدالت‌خواهی در راستای اصول دین اسلام است. با بررسی‌هایی می‌توان نشانه‌های اسلامی بودن این انقلاب‌ها را مشاهده کرد. مسلمان بودن این کشورهای عربی و اراده مذهبی آنها در مقابله با حکومت‌های مستبد و دیکتاتوری تحت امر غرب یکی از دلایل پیروزی‌های این جنبش‌های مردمی بوده است. انقلاب اسلامی در ایران برای نمونه با انقلاب در کشور مصر تفاوت‌هایی داشته است. از جمله اینکه انقلاب ایران تحت رهبری امام خمینی (س) به پیروزی رسید اما انقلاب در مصر رهبری واحد نداشت یا اینکه ژنرال‌های حکومت حسنی مبارک به او وفادار نماندند اما مقامات نظامی شاه ایران تا روزهای آخر به او وفادار بودند؛ اما می‌توان گفت که اسلامی بودن و ریشه اسلامی این دو انقلاب می‌تواند یکی از شباهت‌های آنها باشد.

۱. رسانه‌های خارجی: این بیداری اسلامی است، بخش خبری الف، ۱۳۹۰/۱/۲۳.

پایگاه اینترنتی «اسلام تایمز» نیز در گزارشی عنوان کرد:

زمانی که در مورد انقلاب‌ها و جنبش‌های مردمی در جهان عرب سخن می‌گوییم باید خاطرات انقلاب اسلامی موفق در ایران را در ذهن تداعی کرد. این انقلاب در ایران بر اساس اصول اسلامی و به رهبری امام خمینی(س) پیروز شد. انقلاب با ماهیت اسلامی در ایران، شرایط منطقه را دگرگون کرد و تعادل قدرت جدیدی در خاورمیانه به وجود آورد. اسلامی بودن این انقلاب در ایران روز به روز باعث پیشرفت این کشور در تمامی سطوح به رغم مواجهه با دشمنان فراوان شد. انقلاب اسلامی باعث شد تا ایران به یک کشور مهم و برجسته در دنیای اسلام تبدیل شود. مردم ایران توانستند صدای خود را به جهانیان برسانند. شعارهای مردم ایران در این انقلاب اسلامی «الله‌اکبر» و «محمد رسول‌الله» بود و آنها توانستند با اتحاد و این شعارهای اسلامی، حکومت شاهنشاهی را سرنگون کنند. در دین اسلام برابری انسان‌ها بسیار اهمیت دارد و بر مقابله با حکومت‌های ظالم و دیکتاتوری تأکید شده است. این موضوع را اکنون در انقلاب‌های جهان عرب شاهد هستیم.^۱

دکتر مایکل دی‌اوانس در مطلبی در پایگاه اینترنتی «میدل ایست مدیا گروپ» در مورد تحولات اخیر در جهان عرب نوشت:

بیداری اسلامی جهان عرب باعث شده است تا مردم کشورهای عربی در راستای هویت اصلی خود با موفقیت گام بردارند. اکنون یک انقلاب اسلامی عظیم در حال درنوردیدن خاورمیانه است و گسترش این انقلاب اسلامی به بزرگترین تهدید برای امریکا تبدیل شده است. مسلمانان در کشورهای عربی یک به یک به غرب روی برمی‌گردانند و خواهان استقرار حکومت اسلامی در کشورشان هستند چون می‌دانند که تنها با حکومت اسلامی می‌توان در مقابل سیاست‌های غرب ایستاد.





مسلمانان جهان عرب با جنبش‌های اسلامی مخالفت خود را با امریکا و هم‌پیمانانش نشان داده‌اند. آنها می‌خواهند نشان دهند که اسلام برای آنها آزادی و عدالت به ارمغان آورده است و نمی‌خواهند دیگر تحت سلطه غرب باشند.^۱

«پایگاه اینترنتی نیوزفلپور» در مطلبی عنوان داشت:

در حالی که غرب همچنان خود را حامی آزادی و دموکراسی در جهان عرب نشان می‌دهد، اکثر روحانیون برجسته در کشورهای مسلمان از جنبش‌های مردمی در کشورهای عربی به عنوان «انقلاب‌های اسلامی» یاد کرده‌اند. قرضای و آنجم چودری دو روحانی اسلامی، اعلام کردند که این جنبش‌ها برگرفته از اصول اسلامی است و تنفر مردم جهان عرب از غرب و ظلم کشورهای غربی به مسلمانان یکی از دلایل اثبات‌کننده این موضوع است.

اما آنچه امروز از اظهارات ضد و نقیض و دوپهلوی سران غرب به ویژه امریکا و سران صهیونیستی می‌توان تحصیل نمود، اعتراف به شکست و پذیرش الگوپذیری خیزش‌های کشورهای منطقه از انقلاب اسلامی است. در همین راستا نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در اظهاراتش به الهام گرفتن انقلاب‌های منطقه از انقلاب اسلامی ایران تلویحاً اذعان می‌کند. به گزارش شبکه تلویزیونی الجزیره، بنیامین نتانیاهو در برلین و در کنفرانس خبری به همراه آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان گفت:

نمی‌دانیم که آیا تحولات در کشورهای عربی شبیه انقلاب‌های سال ۱۹۸۹ اروپای شرقی علیه رژیم‌های اقتدارگرا بوده یا شبیه انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ است.

وی اضافه می‌نماید:

البته امیدواریم این تحولات شبیه نوع اول باشد ولی نمی‌توانیم در این زمینه اطمینان داشته باشیم. سیاست خود را بر اساس این تحولات مشخص می‌کنیم. پنج سال پیش انقلاب صدر در لبنان روی داد و یک میلیون لبنانی به خیابان‌ها

ریختند و به ایجاد تحولات دموکراتیک در این کشور امید بستند اما امروز پس از گذشت پنج سال با حزب‌الله روبه‌رو هستیم. همچنین ما چند سال پیش از نوار غزه عقب‌نشینی کردیم و اینک مجبوریم با حماس روبه‌رو باشیم.^۱

انقلاب اسلامی ایران و تحولات جهان عرب

تحولات سیاسی و اجتماعی در کشورهای خاورمیانه نشان‌دهنده این است که ورود شعله‌های اعتراض، آزادی‌خواهی و عدالت‌جویی به صورت مستمر و گسترده به تک‌تک کشورهای آفریقایی و عربی منطقه با الهام از حرکت مردمی تونس و مصر در حال گسترش است. عدم توجه حاکمیت‌ها در خاورمیانه عربی به خواسته‌های مبتنی بر ارزش‌های نهادینه‌شده اسلامی مردم در این کشورها، سرسپردگی بسیاری از حکام به استکبار، کاهش فزآینده استقلال سیاسی و رفاه عمومی، تلاش برای موروثی کردن حکومت و در واقع ایجاد «جمهوری مشروطه» یا «اصرار بر تداوم نظام سیاسی مبتنی بر سیستم پادشاهی» به دور از مشارکت سیاسی مردم، در فضای «بیداری اسلامی ملت‌ها» تحولات اخیر خاورمیانه را رقم زده است. الگوی انقلاب اسلامی ایران در فضای گفتمان سیاسی مبتکرانه و خلاق در مقابله با نظام سلطه، «موتور محرکه» این حرکت به شمار می‌رود. یک نویسنده عرب می‌نویسد:

ما در دهه اول پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ایرانیان را جنگ‌طلب خواندیم؛ در دهه دوم آنان را دارای نظام سیاسی مرتجع نامیدیم؛ در حالی که اکنون شاهد نظام سیاسی اسلامی پویا و مستحکم در این کشور و مردمی هستیم که علاوه بر برخورداری کامل از «استقلال سیاسی» دارای دستاوردهای باورنکردنی در عرصه‌های مختلف علمی - فرهنگی، سیاسی و بین‌المللی هستیم. در حالی که جوانان ایرانی فعالانه در عرصه علم و عمل اقدام می‌کنند، در بسیاری از کشورهای عربی،

۱. علی قاسمی، «اعتراف غرب به الگوپذیری منطقه از انقلاب ایران»، پایگاه اطلاع‌رسانی جوان، کد خبر ۳۵۰۹۰۱.



جوانان سرگرم شکار حیوانات و حداکثر اسب‌سواری هستند؟! همچنین تأثیر عمیق انقلاب اسلامی، باعث شکل‌گیری بیداری اسلامی در جهان اسلام شد و ارزش‌هایی همچون ظلم‌ستیزی، آزادی‌خواهی، استقلال‌طلبی، عدالت‌خواهی و... را به ارزش‌های مسلط در جوامع اسلامی تبدیل کرد. بیداری اسلامی در منطقه بسیار فراتر از ناسیونالیسم عربی عمل کرد و با بسیج نیروها، رهیافت مقاومت اسلامی را پیش روی مسلمانان قرار داد. این رهیافت بن‌بست‌های القایی را کنار زد و عامل توقف توسعه‌طلبی و قدرت‌یابی رژیم صهیونیستی و قدرت‌های استکباری گردید. عمق تأثیرگذاری اندیشه‌های ناب اسلامی، دینی و سیاسی انقلاب اسلامی ایران به نحوی است که تمام کشورهای دیکتاتوری خاورمیانه و منطقه از همان روزهای پیروزی انقلاب با تهدید بالقوه آثار و نتایج آن روبه‌رو بودند؛ اما این آثار و ابعاد چگونه و به چه میزان بر خیزش‌های مردمی منطقه تأثیر گذاشته است، موضوعی مهم و در خور توجه و بررسی می‌باشد.

۱. چگونگی تأثیر انقلاب اسلامی بر خیزش‌های مردمی

همانطور که در بحث هویت و اهداف خیزش‌ها و حرکت‌های کشورهای عربی دیدیم، روند الگوسازی انقلاب اسلامی و تأثیرپذیری مردم مسلمان کشورهای منطقه از الگوی توانمند جمهوری اسلامی ایران در جریان تحولات منطقه مطرح است. اما برای بررسی و مشخص کردن این تأثیرات ناگزیر باید علل و عوامل تأثیرات انقلاب اسلامی را به طور کلی و عام و نیز اشتراکات فراوان سیاسی و فرهنگی میان ایران به عنوان عامل و جنبش‌های سیاسی و مردمی به عنوان محرک‌های متأثر یا عوامل هم‌گرایی انقلاب اسلامی با این جنبش‌ها را به طور مشخص و خاص مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

الف. عوامل تعیین‌کننده تأثیرگذاری انقلاب اسلامی

آثار و بازتاب‌های انقلاب اسلامی را می‌توان ناشی از عناصر ماهوی و عوامل موقعیتی دانست.^۲ عناصر و ویژگی‌های ماهوی انقلاب اسلامی که باعث تأثیرگذاری

۱. «انقلاب اسلامی ایران موتور محرکه خیزش مردمی در خاورمیانه»، خبرگزاری مهر، ۱۳۸۹/۱۲/۸.
 ۲. سید جلال دهقانی فیروزآبادی، «تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی انقلاب اسلامی ایران»، ۱۳۸۷/۱۱/۲۱؛ به آدرس اینترنتی:

فراسرزمینی آن شده‌اند، عبارت‌اند از: بزرگ بودن، فراملی بودن و ایدئولوژی جهان‌شمول اسلام. عوامل موقعیتی که موجب بازتاب انقلاب در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی شده است را نیز می‌توان در موقعیت و منزلت راهبردی و بین‌المللی ایران، اهمیت راهبردی خاورمیانه و خلیج فارس و محیط مناسب و متجانس پیرامونی انقلاب اسلامی ایران خلاصه کرد. هر یک از عوامل به تنهایی کفایت می‌کند تا انقلابی به اطراف خود تسری یابد. طبیعی است که برآیند و مجموع آنها در مورد

انقلاب اسلامی ایران، بازتاب‌ها و پیامدهای آن را حتمی و قطعی سازد.

۱. **انقلاب بزرگ:** بر اساس تعریف و طبقه‌بندی انقلاب‌های جهان، انقلاب اسلامی ایران انقلابی بزرگ به شمار می‌رود؛ چون این انقلاب تغییر و تحولات ماهوی و بنیادی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ارزش‌ها و هنجارهای جامعه ایران پدید آورد؛ تغییراتی که لایه‌های زیرین نظم سیاسی، اجتماعی و مبانی ارزشی و فرهنگی جامعه را دگرگون کرد؛ به طوری که انقلاب اسلامی ایران از این نظر در زمره انقلاب‌های بزرگ جهان مانند انقلاب فرانسه، روسیه و چین قرار می‌گیرد.

۲. **انقلاب فراملی:** افزون بر این، انقلاب اسلامی ماهیت و رسالتی فراملی دارد. انقلاب فراملی بر خلاف انقلاب ملی، دارای اهداف و آرمان‌هایی است که فراتر از مرزهای جغرافیایی آن کشور می‌رود؛ آمل و آماجی که معطوف به انسان‌ها و ملت‌های دیگر در جوامع دور و نزدیک است. از این رو، انقلاب اسلامی ایران فراتر از تغییر و تحول ساختاری و هنجاری در جامعه و ملت ایران درصدد ایجاد تغییرات و تحولات بنیادی در دیگر جوامع و ملت‌ها بر اساس نظم سیاسی، اجتماعی و اسلامی است. ماهیت و مسئولیت فراملی انقلاب اسلامی متضمن و مستلزم تأثیرگذاری مستقیم و غیر مستقیم آن در محیط‌های متجانس پیرامونی و حتی نامتجانس دوردست است. بنابراین می‌توان گفت پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تنها پاسخی به یک ضرورت داخلی نبود بلکه پاسخی به مرزهای جغرافیایی ایران نیز ارزیابی می‌شد. از این رو گفتمان کلان چنین تحولی در حصار جغرافیایی

قدرت‌های حاکم همواره مورد حمایت قدرت‌های استعماری غربی و به خصوص ایالات متحده می‌باشند و این امر با خواسته ملت‌های اسلامی - عربی که خواهان حکومت‌های آزاد، مقتدر و مستقل می‌باشند، هماهنگی نداشته و این باعث شده تا این ملت‌ها دست به شورش و قیام بزنند





تأثیر عمیق انقلاب اسلامی، باعث شکل‌گیری بیداری اسلامی در جهان اسلام شد و ارزش‌هایی همچون ظلم‌ستیزی، آزادی‌خواهی، استقلال‌طلبی، عدالت‌خواهی و... را به ارزش‌های مسلط در جوامع اسلامی تبدیل کرد

مرزهای ایران متوقف نماند و بر تارک اندیشه و آموزه‌های خارج از مرزهای سرزمین ایران شد. گفتمان کلان انقلاب اسلامی در ایران بر انگاره‌هایی از عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی، دین‌مداری و نفی هرگونه سلطه و سیطره استوار بود. تبیین و تثبیت چنین گفتمانی

سبب شد تا وحدانیت «استقلال» و «آزادی» عملاً در رهیافت‌های آن رنگی حقانی به خود گیرد. بازتعریف چنین آموزه‌هایی در اندیشه معمار و طراح آن، یعنی حضرت امام (س) انگاره‌ای شد تا به تعبیر خود امام (س) انقلاب اسلامی از نظر پیروزی بر دشمن هنوز به پایان نرسد. طنین این اندیشه و آرمان در طول سه دهه اخیر بارها بازتاب یافته تا این روزها فصل مشترک گفتمان‌های انقلاب‌های دومینووار خاورمیانه عربی و شمال آفریقا باشد.^۱

۳. **مکتب جهانشمول:** سومین عنصر ماهوی انقلاب اسلامی که آن را دارای بازتاب و پیامد در محیط خارجی ایران می‌سازد، مکتب اسلام است؛ زیرا اسلام دینی جهانشمول و معطوف به بشریت و تأمین سعادت اوست. از این رو، نظم سیاسی- اجتماعی برخاسته از انقلاب اسلامی نیز ماهیتی جهانشمول و فراملی دارد؛ به گونه‌ای که ماهیت اسلامی انقلاب اسلامی ایران متضمن تکالیف، مسئولیت‌ها و رسالت‌های فراملی در جهان اسلام و نظام بین‌الملل است. مسئولیت و رسالتی که بر پایه دعوت اسلامی، تبیین و ترویج آرمان‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی را اجتناب‌ناپذیر و الهام‌بخش برای دیگر ملت‌ها و انسان‌ها می‌سازد؛ این ویژگی به خصوص تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در جوامع مسلمان را تسهیل و تسریع می‌کند.

۴. **موقعیت و منزلت ایران:** عامل دیگر در تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در منطقه و جهان، موقعیت راهبردی و ماهیت بین‌المللی سرزمین ایران است. جایگاه سوق‌الجیشی و استراتژیک ایران به گونه‌ای است که آن را به صورت بین‌المللی درآورده؛ به طوری که ایران به لحاظ جغرافیایی و ژئوپلیتیک محکوم به تعامل و ارتباط فعال با دیگر بازیگران بین‌المللی است. این تعامل سازنده و تبادل گسترده، زمینه بسط و ترویج اندیشه‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی را فراهم

۱. ارسلان مرشدی، «انقلاب اسلامی، الهام‌بخش انقلاب‌های عربی»، ۱۳۸۹/۲/۱۱؛ به آدرس اینترنتی:

می‌آورد. از این رو انقلاب اسلامی بی‌واسطه یا باواسطه، دیگر کشورها و ملت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کنش و واکنش آنان را برمی‌انگیزد.

۵. اهمیت راهبردی خلیج فارس و خاورمیانه: دومین عامل موقعیتی تعیین‌کننده تأثیرگذاری خارجی انقلاب اسلامی ایران، ناشی از موقعیت و جایگاه منطقه استراتژیک خلیج فارس است. اهمیت و منزلت استراتژیک خلیج فارس و خاورمیانه، به ویژه تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر نظام بین‌الملل را افزایش می‌دهد؛ زیرا منطقه خلیج فارس مهم‌ترین منبع انرژی و تأمین‌کننده اصلی نیازهای جهان صنعتی، نقش انکارناپذیری در نظام بین‌الملل و سیاست جهانی ایفا می‌کند. جایگاه استراتژیک خاورمیانه و خلیج فارس در نظام بین‌الملل پس از ۱۱ سپتامبر بر اثر تلاش آمریکا برای اعمال هژمونی جهانی از طریق تثبیت هژمونی منطقه‌ای، بیش از پیش ارتقاء یافته است؛ بنابراین بر اثر تداخل محیط امنیتی خاورمیانه و نظام بین‌الملل، تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر این زیر سیستم منطقه‌ای به طور مستقیم، روابط بین‌الملل را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۶. محیط مساعد متجانس پیرامونی: محیط پیرامونی ایران نیز نقش بسزایی در تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر دیگر جوامع دارد. تجانس و تقارب ملت‌های منطقه در کنار مجاورت جغرافیایی، اشاعه و سرایت طبیعی انقلاب اسلامی در سطح منطقه‌ای را تسریع و تسهیل می‌کند؛ به گونه‌ای که حداقل این عامل باعث شده است بر اثر امکان تأثیرپذیری ملت‌های همسایه و منطقه از انقلاب اسلامی ایران، حکومت‌ها برای جلوگیری از نفوذ آن به اتخاذ سیاست‌ها و اقدامات پیشگیرانه و بازدارنده دست بزنند.

ب. عوامل یا عناصر هم‌گرایی یا هم‌سویی خیزش‌های مردمی منطقه با انقلاب اسلامی

اکثر قیام‌های مردمی در کشورهای عربی از انقلاب اسلامی الهام گرفته‌اند؛ زیرا شیوه‌هایی که در این قیام‌ها به کار بسته می‌شود، نحوه انجام مبارزات، اهداف و ویژگی‌های تعیین‌شده در خیزش‌های مردمی کشورهای عربی در شباهت کامل با شیوه‌های به کار گرفته‌شده در انقلاب اسلامی ایران می‌باشد. بیشتر قیام‌هایی که در کشورهای اسلامی به وقوع پیوسته و یا در حال وقوع می‌باشد، اهداف و انگیزه‌های ذیل را برای توجیه حرکت‌های انقلابی‌شان مورد تأکید قرار می‌دهند:

۱. آزادی خواهی: بدون استثنا خیزش‌هایی که در کشورهای اسلامی به وقوع





پیوسته‌اند، از نبود آزادی در کشورهای‌شان شکایت داشته و قیام خود را برای به دست آوردن آزادی ترتیب داده‌اند و آزادی‌خواهی را یکی از اهداف و انگیزه‌های اصلی خود بیان نموده‌اند.

۲. **عدالت‌طلبی:** یکی دیگر از انگیزه‌هایی که برای خیزش‌های عمومی در کشورهای اسلامی عنوان می‌شود و ترتیب‌دهندگان این خیزش‌ها به آن اتکا می‌نمایند، شعار عدالت‌طلبی است و آنها معمولاً از بی‌عدالتی‌های موجود در این کشورها می‌نالند و باور دارند که تنها در سایه خیزش‌های عمومی می‌توان این بی‌عدالتی‌ها را از جامعه محو و نابود نمود و به جای آن عدالت و برابری را حاکم کرد.

۳. **مبارزه با ظلم و فساد:** یکی از وجوه مشترک همه مبارزات انجام‌شده، مبارزه با فساد می‌باشد. برپاکنندگان نهضت‌های مذکور با توجه به وجود فساد گسترده در حکومت‌های حاکم تلاش دارند تا با برکناری این حکومت‌ها از ادامه فساد موجود جلوگیری نمایند. بدون تردید، اکثر حکومت‌های موجود غرق در فساد می‌باشند و گستردگی فساد، مردم را به تنگ آورده و آنها تحمل خود را در مقابل حاکمیت چنین حکومت‌های فاسد از دست داده‌اند.

اعتراض ملت‌های منطقه در همه کشورهایی که با نظام‌های دیکتاتوری و وابسته اداره می‌شوند، به ظلمی است که سران این کشورها به ملت‌های خود در عرصه اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و... نموده‌اند.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در این زمینه فرموده‌اند:

ما بین غزه و فلسطین و تونس و مصر و لیبی و بحرین و یمن تفاوتی نمی‌گذاریم. در همه جا ظلم به ملت‌ها محکوم است. حرکت ملت‌ها با شعار اسلام و در جهت آزادی مورد تأیید ماست. این حرکت، حرکت ملت‌ها است، حرکت امت اسلامی است، حرکت با شعار اسلام است، حرکت به سمت اهداف اسلامی است، نشان‌دهنده بیداری عمومی ملت‌ها است، طبق وعده الهی این حرکت قطعاً و یقیناً به پیروزی خواهد رسید. ملت ایران سرافراز است، مفتخر است و خرسند است که آغازکننده این راه بوده است و ایستادگی و استقامت کرده

است.^۱

۴. الگوگیری خیزش‌های مردمی از انقلاب اسلامی در رد غرب و ماهیت استکبارستیز و ضد امریکا و ضد اسراییل این قیام‌ها: اکثر حکومت‌هایی که با نارضایتی‌های مردم خود مواجه می‌باشند، عمال و دست‌نشانده قدرت‌های استعماری خارجی می‌باشند. این امر به خصوص در کشورهای عربی-اسلامی به خوبی روشن است. دیده شده که قدرت‌های حاکم همواره مورد حمایت قدرت‌های استعماری غربی و به خصوص ایالات متحده می‌باشند و این امر با خواسته ملت‌های اسلامی-عربی که خواهان حکومت‌های آزاد، مقتدر و مستقل می‌باشند، هماهنگی نداشته و این باعث شده تا این ملت‌ها دست به شورش و قیام بزنند؛ از سوی دیگر ملت‌های اسلامی هیچ کدام وجود اسراییل در سرزمین فلسطین که قبله اول مسلمانان می‌باشد را نمی‌پذیرند. برخلاف ملت‌های اسلامی، برخی حکومت‌های اسلامی-پیمان‌هایی را با این رژیم امضا نموده‌اند که این امر به معنی پذیرش این رژیم و به رسمیت شناختن حکومت غاصبانه آن در سرزمین اسلامی فلسطین می‌باشد که این موضوع از سوی ملت‌های اسلامی پذیرفتنی نیست.

۵. عقیده مشترک: انقلاب اسلامی ایران گرچه یک انقلاب شیعی است ولی همانند هر جنبش اسلامی دیگر، به وحدانیت (لاله‌الاله) اعتقاد دارد؛ به رسالت پیامبر اکرم (ص) (اشهد ان محمد رسول الله) معتقد است؛ کعبه را قبله آمال و آرزوهای معنوی مسلمانان می‌داند؛ قرآن را کلام خداوند سبحان و آن را منجی بشریت گمراه تلقی می‌کند و به دنیای پس از مرگ و قبل از آن، به صلح، برادری و برابری ایمان دارد. همان‌گونه که امام خمینی (س) فرمودند: «در کلمه توحید که مشترک بین همه است، در مصالح اسلامی که مشترک بین همه است، با هم توحید کلمه کنید.»^۲ البته ویژگی کارزمایی امام خمینی (س) و مواضع استعماری وی که بیشتر مسلمانان جهان بر آن اتفاق نظر دارند، بر تأثیر متقابل انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی افزود.

۶. عمومی (مردمی بودن) و خودجوش بودن: مردمی بودن که یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران است، در خیزش‌های اسلامی راه یافته است. به عبارت دیگر، این جنبش‌ها دریافته‌اند که اسلام توانایی بسیج توده‌های مردم

۱. عباسعلی فرزند، «نیم‌نگاهی به خیزش‌های اسلامی منطقه»، صبح صادق، ۱۳۹۰/۲/۱۹، ش ۴۹۸، ص ۱۰.

۲. صحیفه امام، ج ۲۲، ص ۳۳.



را دارد. بر این اساس، آنها از اتکا به قشر روشنفکر به سوی اتکا به مردم گرایش یافته‌اند و در نتیجه پایگاه مردمی خود را گسترش داده‌اند.^۱ اما این توسعه پایگاه مردمی دعوایی طایفه‌ای و قومی نیست بلکه خیزشی عمومی است که مانند انقلاب اسلامی ایران از سوی همه جریانات، احزاب و گروه‌ها صورت گرفته است. به عبارت دیگر حضور همه مردم و همه احزاب در صحنه، این حرکت را قدرتمند و مداوم نموده است.

۷. **اسلامی بودن:** از مهمترین مؤلفه‌ها در تحولات و حوادث منطقه این است که روح و ماهیت این خیزش‌ها کاملاً دینی و اسلامی است. حضور علما و جنبش‌های اسلامی همچون اخوان المسلمین، وجود شعارها و نمادهای مذهبی و شعار الله اکبر و اقامه نمازهای جمعه و جماعت نشان‌دهنده بیداری عمومی ملت‌ها در جهت حذف سکولاریسم و توجه به هویت اسلامی این کشورهاست.

۸. **مقابله با استبداد:** بیشتر حکومت‌هایی که با مخالفت ملت‌های خود مواجه شده‌اند، حکومت‌هایی بوده‌اند که به شکل استبدادی به زندگی خود ادامه داده‌اند. این حکومت‌ها با حاکم ساختن جو اختناق‌آمیز و بسته، تلاش نموده‌اند که یا از اصل مشارکت مردم خود جلوگیری نمایند یا آنکه مشارکت آنها را به شکل نمادین و صوری بروز دهند. این جو باعث شده است که مردم در سایه آگاهی‌های به دست آمده، مشارکت در حکومت و تصمیم‌گیری در سرنوشت سیاسی را حق خود بدانند و علیه این حکومت‌ها دست به شورش بزنند و خواهان برچیده شدن این جو استبدادی از کشورهایشان شوند.

حال با توجه به مؤلفه‌های ذکرشده، می‌توان گفت که این قیام‌ها بدون استثنا بر ویژگی‌های مشترک تأکید دارند.

۲. میزان تأثیر انقلاب اسلامی بر خیزش‌های مردمی

انقلاب‌های شمال آفریقا و خاورمیانه عربی بدون تردید بازتاب آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران در میان مردم منطقه و در راستای اهداف بلند آن است. کتمان تأثیرات انقلاب اسلامی با توجه به تصریحات برخی از رهبران فعلی این قیام‌ها چندان راه به جایی نمی‌برد. راشد الغنوشی، از رهبران اسلامی تونس، در

۱. مهدی بیگی، «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی لبنان»، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹، ص ۱۸۳.



مباحث مختلف خود همواره از تأثیرات انقلاب اسلامی سخن گفته و بر آن تأکید کرده است.^۱ تحلیل‌گران خارجی و مراکز عمده پژوهشی کشورهای اروپایی، امریکا و رژیم صهیونیستی نیز در روزهای اخیر به همسویی اهداف این جنبش‌ها با انقلاب اسلامی ایران به صراحت اشاره نموده‌اند. تردیدی نیست که این جنبش‌ها به زوال حکومت‌های وابسته در منطقه، برجستگی نقش مردم مسلمان منطقه در تعیین سرنوشت‌شان، حضور گروه‌های اسلام‌گرا در صحنه سیاسی این کشورها، تضعیف و زوال رویکرد سازش و تقویت رویکرد مقاومت در منطقه و در یک کلمه استقلال بیشتر در تصمیم‌گیری کشورهای اسلامی و عربی منطقه منجر خواهد شد که اینها در راستای اهداف انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.^۲ انقلاب اسلامی ایران به دلیل جذابیت در شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا و نتایج حرکت‌ها و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی، پدیده‌ای اثرگذار در جهان و به خصوص جهان اسلام بوده است؛ اما باید توجه داشت که مفهوم تأثیر انقلاب اسلامی بر نهضت‌های اسلامی، این نیست که مدل انقلاب اسلامی بی‌کم‌وکاست در آن کشورها هم پیاده شود؛ زیرا میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر همه جوامع اسلامی و عربی در منطقه یکسان و یکنواخت نبوده بلکه هر سرزمین قواعد بازی خاص خود را دارد و با توجه به شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای هر جنبش اسلامی، اوضاع خاص هر منطقه و قرابت‌های فکری و فرهنگی و جغرافیایی، درجه تأثیر آن متفاوت می‌باشد. از سوی دیگر تأثیر انقلاب اسلامی بر حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی، به معنای دخالت ایران در امور داخلی دیگر کشورها نیست؛ هر چند این اتهام، بارها به ایران نسبت داده شده است. اما به نظر می‌رسد این اتهام بیش از آنکه ریشه در واقعیت داشته باشد، تلاشی از سوی محافل غربی و دشمنان انقلاب اسلامی است که از این طریق، درصدد انزوای ایران و ارایه چهره‌ای خشن از انقلاب اسلامی‌اند. تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی راه، می‌توان از ابعاد مختلفی بررسی کرد. نویسندگان زیادی نیز

۱. نجف لکزایی، «انقلاب اسلامی؛ امام موسی‌صدر و خاورمیانه اسلامی»، ۱۳۸۹/۱۱/۱۶؛ به آدرس اینترنتی:

<http://www.lakzaee.ir/persian/index2.php?option.com>

۲. مهدی سینایی، «انقلاب اسلامی؛ انقلاب‌های رنگی و انقلاب‌های عربی؛ تشابهات و تمایزات»، ۱۳۹۰/۲/۲۶؛ به آدرس اینترنتی:

<http://www.russiannews.ru/pers2/>



در این زمینه، به تقسیم‌بندی‌هایی دست زده‌اند، که به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

در یک تقسیم‌بندی راهبردی، می‌توان نتیجه‌گیری تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های اسلامی را به دو صورت بیان کرد؛ یکی شیوه مستقیم و ایجاد و دیگر، تأثیر غیرمستقیم و ایجابی؛ در نوع اول، انقلاب اسلامی باعث ایجاد یک دسته حرکت‌ها و جنبش‌های سازمان‌یافته و غیرسازمان‌یافته در دیگر کشورهای اسلامی شد. اما در نوع دوم، وقوع انقلاب اسلامی توانست بر جنبش‌هایی که پیش از انقلاب دارای سابقه و فعالیت بودند، اثر گذارد و آنها را گسترش دهد. به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی آنها را متأثر ساخت و نه وابسته. حال آنکه در نوع اول، جنبش‌های مذکور، وابسته به انقلاب بودند و هستی و تداوم خود را مدیون انقلاب و حمایت‌های انقلاب می‌دانستند:

منظور از تأثیر مستقیم، این است که این دسته از گروه‌های اسلامی در اثر ارتباط مستقیم با ایران و گاه نیز به تشویق و تأیید جمهوری اسلامی، به وجود آمدند. اما تأثیر غیرمستقیم، لزوماً به معنای وجود ارتباط مستقیم میان جنبش‌های اسلامی با جمهوری اسلامی ایران نیست، بلکه وقوع انقلاب اسلامی و اهمیت آن باعث شده است تا جنبش‌های اسلامی جدیدی به طور مستقل به وجود آیند و در پی رسیدن به جامعه سیاسی اسلام باشند.^۱

حرکت‌های اسلامی در کشورهای عراق، عربستان، بحرین، کویت، لبنان و تا حدی فلسطین و تونس، تحت تأثیر مستقیم انقلاب بودند. پیدایش «حزب‌الله» و «سازمان امل»، سازماندهی جدید «حزب‌الدعوه» در عراق، شکل‌گیری پیکار اسلامی در این کشور، تحرکات و فعالیت‌های جدید «اخوان المسلمین» در کشورهای مختلف، گسترش فعالیت‌های حزب «النهضة» تونس و گروه «دارالتوحید» کویت و نیز پیدایش جنبش‌های اسلامی همانند «الجهه الاسلامیه لتحرير البحرين» در بحرین، همگی ناشی از تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی است.

در مقابل، جنبش‌های اسلامی در مصر، الجزایر، بحرین، یمن و... به طور

۱. حمید احمدی، «انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی»، به کوشش حاتم قادری، مجموعه مقالات پیرامون جهان سوم، تهران، سفیر، ۱۳۶۹، ص ۶۸.

ملت‌های منطقه عموماً با راهنمایی علمای دینی و گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های دینی و با نام و یاد خدا و شعار الله‌اکبر، برپایی نماز جماعت و جمعه، مبارزه خود را شروع کردند و در ادامه راه نیز بر این صیغه تأکید دارند

الف. تأثیرات فکری و فرهنگی

بیشترین تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌ها و خیزش‌های مردمی در زمینه‌های فکری و فرهنگی

خلاصه می‌شود. انقلاب اسلامی از بعد ذهنی و فکری، آتش زیر خاکستر نهضت‌ها را بار دیگر برافروخت و این تفکر را به صورت پایدار در اذهان مسلمانان ایجاد کرد که می‌شود و می‌توان کاری کرد؛ به طوری که «گسترش امواج اسلام‌خواهی بعد از انقلاب اسلامی ایران در مصر، عربستان، سودان، الجزایر و... ثابت کرد که انقلاب در ایران، محصول یک حرکت فکری بسیار قوی در جهان اسلام است و می‌تواند در همه بلاد اسلامی تکرار شود.»^۱

امور فرهنگی از آن حیث مهم هستند که پایه و اساس امور سیاسی و حرکت‌های سیاسی را فراهم می‌آورند؛ به دیگر سخن، امور فرهنگی زمینه‌ساز امور سیاسی‌اند. به این دلیل، رنگ و بوی سیاسی به خود می‌گیرند و ضمن آن مقوله، مطرح می‌شوند. در ادامه به برخی از مهمترین تأثیرات فکری و فرهنگی انقلاب اسلامی بر جنبش‌های مردمی اشاره می‌شود.

۱. پیروی از شعائر و شعارهای انقلابی ایران: یکی از تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر، به تقلید شعارهای انقلاب اسلامی از سوی جنبش‌گران مسلمان برمی‌گردد. تمسک به رویکرد تظاهرات عمومی با مشارکت همه قشرهای مردم در این کشورها و تمرکز آنان بر شعارهای اسلامی از جمله نشانه‌های غیرقابل انکار الگو قرار دادن انقلاب اسلامی توسط ملت‌هایی است که با تظاهرات خیابانی علیه رژیم‌های مستبد و وابسته حاکم در کشورها برای به نمایش گذاشتن خواسته عمومی مردم و زیر سؤال بردن مشروعیت نظام‌های حاکم، خلع سلاح کردن قدرت‌های بهانه‌جوی سلطه‌طلب برای مداخله در این تحولات

۱. محمدجواد لاریجانی، کوشش‌های نظری در سیاست خارجی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۲۱۳.



و به حداقل رساندن تلفات انسانی و تخریب زیرساخت‌های اجتماعی - مدنی که از ویژگی‌های این نوع رویارویی با نظام‌های غیر مردمی است، خواسته‌های خود را دنبال کرده‌اند. ملت‌های منطقه عموماً با راهنمایی علمای دینی و گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های دینی و با نام و یاد خدا و شعار الله‌اکبر، برپایی نماز جماعت و جمعه، مبارزه خود را شروع کردند و در ادامه راه نیز بر این صبغه تأکید دارند.

شعارنویسی به شیوه مبارزان انقلابی ایران مورد توجه جنبش‌گران مسلمان است. به عنوان مثال، شعارهای لا شرقیه و لا غربیه، الله‌اکبر، هیهات من الذله، الموت لامریکا و اسرائیل و... و دیگر شعارهای با صبغه مذهبی، از جمله شعارهای صادراتی انقلاب اسلامی است که جنبش‌ها و جریان‌ها در تحرکات و راهپیمایی‌های خود همواره به آن تکیه می‌کنند. این مضامین که خود هر یک محتوایی به فراخی یک مدل و الگوی سیاسی و مقاومتی در برخورد با رخدادها و عوامل آن دارد، در میان نسل جوان مسلمانان نیز رسوخ پیدا کرده و تأثیر مثبت و کارآمدی خود را به اثبات رسانده است.

مردم مصر در مخالفت با رژیم مبارک، شعارهای «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله(ص)» سر می‌دادند و آیات قرآن را بر روی شیشه اتومبیل می‌نوشتند.^۱ در پلاکاردهای مسلمانان مصر شعار لا شرقیه و لا غربیه دیده شده است؛ علاوه بر آن، اعلامیه‌ها، سخنرانی‌ها و پوسترها به شکل مشابه آنچه در ایران اتفاق افتاد، در کشورهای اسلامی چاپ و انتشار می‌یابد. هنوز در منطقه شیعه‌نشین بیروت یعنی ضاحیه، شعارهای انقلاب اسلامی و تصاویر رهبری آن وجود دارد. انعکاس صدای مظلومان عالم و شعارهای الله‌اکبر در میدان‌های «التحریر» قاهره، «لولو» منامه، «خضراء» طرابلس، میدان اصلی شهر صناعا و سایر میداندین اصلی این کشورها که مرکز تجمعات مردمی بوده‌اند، زوال هژمونی چندین و چند ساله امریکا را در خاورمیانه و قاره آفریقا به نمایش گذاشته است. خود امریکایی‌ها بهتر از هر کس دیگری می‌دانند که هسته اصلی این خیزش، جریان‌های اسلامی است؛ در کشور مصر، نقش اصلی هدایت معترضین را جریان اسلامی «اخوان المسلمین» به عهده داشت که یکی از شاهکارهای مبارزاتی آنها، انتخاب نام‌های حماسی برای روزهای مقاومت دلیرانه بود. احمد شفیق نخست‌وزیر منصوب مبارک در روزهای آخر

۱. مهدی بیگی، همان، ص ۱۸۶.



ریاست‌جمهوری مبارک پیشنهاد به عهده گرفتن چهار وزارتخانه را به آنها داد تا بتواند حرکت انقلابی آنها را مهار کند که با استنکاف رهبران اخوان از این پیشنهاد مواجه شد و امروز هم مواضع جانبدارانه البرادعی در مورد ایران و مواضع ضد صهیونیستی عمر و موسی دو نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری مصر هم در راستای جلب حمایت رهبران اخوان تلقی می‌شود.^۱

در بحرین، دو جریان شیعی «حق» و «الوفاق» نقش اصلی را در رهبری معترضین به عهده دارند و بازگشت «مشیمع» رهبر جریان حق به بحرین پس از چند سال دوری و اظهارات او مبنی بر تأثیرپذیری از امام روح‌الله و تابوت‌های شهدای بحرین که منقش به ذکر «علی ولی‌الله» بود و شعارهای «لبیک یا حسین» در تشییع پیکر این شهدا، نوید پیروزی بزرگی را در این کشور می‌دهد.

در تونس، جریان «النهضه» نقش بسیار مهمی در به ثمر رسیدن قیام مردم تونس داشت و پخش اذان پس از چندین سال، بازگشایی مساجد، آزادی حجاب و ورود دختران محجبه به دانشگاه از ثمرات این مبارزات است که با استعفای محمدالغنوشی از نخست‌وزیری این کشور، رنگ تازه‌ای به خود گرفته است.

در لیبی جریان «سنوسی» و در یمن هم جریان «الحوثی» هر کدام به نحوی در این قیام سهیم و تأثیرگذار بوده‌اند و نقش همین جنبش‌ها ماهیت این انتفاضه را روشن‌تر می‌کند.^۲

۲. ایجاد وحدت و همبستگی اسلامی: یکی دیگر از آثار مثبت فرهنگی انقلاب، ایجاد الفت و اخوت اسلامی میان پیروان مکتب توحید بود. همان‌گونه که ملت مسلمان ایران با وحدت کلمه و در سایه برادری اسلامی به رهبری امام امت، نظام مقدس جمهوری اسلامی را پایه‌ریزی کرد، سیاست خارجی‌اش را نیز بر اساس وحدت امت اسلامی تنظیم نمود و همه مسلمانان جهان را از آسیا تا آفریقا و خاورمیانه عربی تا اروپا و آمریکا که به مبانی توحید، نبوت، معاد، قرآن، حج و نماز معتقد بودند و تعلق خاطر به اسلام داشتند برای حفظ وحدت اسلامی در راه دفاع از کیان اسلامی فراخواند. در این راستا یکی از اقدام‌های دلگرم‌کننده، تأسیس «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» به فرمان مقام معظم رهبری بود که در

۱. ایمان اسدی، «عمق تحلیل رهبر انقلاب در مورد ماهیت انتفاضه عربی-اسلامی»، پایگاه رجانیوز، کد

۸۰۸۳۵.

۲. همان.



همان‌گونه که ملت مسلمان ایران با وحدت کلمه و در سایه برادری اسلامی به رهبری امام امت، نظام مقدس جمهوری اسلامی را پایه‌ریزی کرد، سیاست خارجی‌اش را نیز بر اساس وحدت امت اسلامی تنظیم نمود و همه مسلمانان جهان را برای حفظ وحدت اسلامی در راه دفاع از کيان اسلامی فراخواند

جهت تقریب مذاهب اسلامی و حفظ وحدت جهانی اسلام صورت گرفت. راه‌اندازی نشریه رساله‌التقریب که در گذشته چندین شماره توسط «دارالتقریب بین‌المذاهب الاسلامیه» در قاهره چاپ و منتشر شده بود، به علاوه برگزاری کنفرانس‌ها و میزگردهای وحدت در تهران و مکه مکرمه در ایام حج تمتع و صدها جلسه بحث و گفت‌وگو بین اندیشمندان و علمای اسلامی و چاپ هزاران مقاله، کتاب، مجله و پایان‌نامه‌های دانشگاهی به زبان‌های گوناگون، از جمله اقدامات شایسته و ارزنده‌ای است که تاکنون در جهت تحقق آرمان‌های وحدت جهان اسلام صورت پذیرفته است.^۱ در واقع با بازخوانی سیر تاریخ‌شناسی رویدادهای منتهی به انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ ایران، می‌توان زمینه‌نشانه‌ها و رگه‌های تأثیرگذاری آن رویداد شگرف را در راستای ایجاد وحدت بین ملل منطقه در تحولات ۲۰۱۱ خاورمیانه به خوبی یافت:

۱. سلطه و سیطره‌پذیر بودن حکومت تحت لوای حکمرانان ابدی؛
۲. فقدان بارز هویت ملی و تحقیر مردمی و ستیز عربان با دین اسلامی عموم مردم؛
۳. ظلم و فساد و تبعیض آشکار نظام دیوان‌سالار و خاندان حکومتی و سلطنتی. این شاخص‌ها، هرم سه‌گانه‌ای است که غلیان غیرت مردم را به جوش و خروش آورده و در طول سال‌ها و دهه‌ها شکاف عمیقی را بین ملت و حکومت شکل بخشیده است. در طول این سال‌ها حاکمان حکومت‌های مطلقه تونس، مصر، اردن، بحرین، الجزایر، یمن، لیبی و... مانند ایران سال ۱۳۵۷ هیچ‌گاه صدای عدالت‌خواهی و اسلام‌گرایی مردم را نشنیدند. این حاکمان تنها هنگامی گوشی شنوا یافتند و اعلام کردند که «من پیام انقلاب شما را شنیدم» که موسم طرد آنان از سوی مردم فرا رسیده بود. اما اکنون مردم کشورهای عربی با اتحاد و انسجام،

۱. «تأثیر فرهنگی انقلاب اسلامی»، جمعی از نویسندگان پایگاه حوزه نت، ۱۳۸۹/۱۱/۱۹؛ به آدرس اینترنتی:



صدای انقلاب خود را با الهام از انقلاب اسلامی نه تنها به گوش حاکمان فراری و در شرف فرار خود، که به گوش تمام مردم دنیا رسانده‌اند. حسن قناعت لی رئیس انجمن اهل بیت (ع) استانبول، بر این باور است که تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر جهان اسلام و جهان عرب به حدی است که سیاستمداران و جامعه‌شناسان غرب به آن اعتراف می‌کنند؛ چراکه پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ و تفکرات امام خمینی (س) به دنیا شکل تازه‌ای بخشید و حرکت نوینی را در جهان پدیدار کرد که اتحاد مسلمانان مهم‌ترین ثمره آن بود.^۱ این خیزش از یک طرف به عنوان آلترناتیوی در برابر امپریالیسم جهان ظهور کرد و از طرف دیگر به مسلمانان با یک تفکر نوین انگیزه بخشید. سنگ بنای چنین تفکری بیش از سه دهه پیش بنیان نهاده شده بود؛ زمانی که این اندیشه اسلامی در کلام امام خمینی (س) با درک و تحلیل عمیق وی از تحولات آتی جاری شد که این نهضت اسلامی در حصار زمان و مکان متوقف نمی‌ماند و وی سخن از صدور انقلاب اسلامی داد؛ امام نه تنها این مسئله را بارها مورد توجه قرار داد بلکه با تأکید بر آموزه‌های رهایی‌بخش اسلامی، دیگر ملت‌های اسلامی را به بیداری اسلامی دعوت کرد.

ایشان در فرازی از سخنان خود با مورد خطاب قرار دادن ملت‌های مصر و عراق اظهار می‌دارد که:

... ملت مصر باید این مطلب را بداند که اگر قیام کند برخلاف این توطئه‌ها، همان‌طوری که ایران قیام کرد، آنجا هم خواهد پیروز شد. ملت مصر از حکومت نظامی نترسد و به او اعتنا نکند و همان‌طور که ایران حکومت نظامی را شکست و به خیابان‌ها ریخت، آنها هم بشکنند و به خیابان‌ها بریزند و این تفاله‌های امریکا را بیرون بریزند. ملت مصر نشینند تا این قدرت از بین رفته دوباره دست و پای خودش را جمع کند و نفوذ خودش را بر ملت تحمیل کند. امروز روزی است که ملت مصر باید قیام کند. امروز روز ضعف دولت است و قدرت ملت. باید قدرت را نشان دهد و اعتنایی به این حکومت نظامی برخلاف همه موازین نکند و بشکند این حکومت نظامی را و

۱. ارسلان مرشدی، همان.

به خیابان‌ها بریزد و این دولتی [را] که می‌خواهد با سرنیزه با اسلام مخالفت کند و به صراحت می‌گوید که هر کس که به اسلام وفادار باشد او را سرکوب می‌کنیم، [از بین ببرد]...^۱

۳. مطرح کردن و پذیرش ارزش‌های دینی و فرهنگی جدید: انقلاب اسلامی ایران ارزش‌های فرهنگی نوینی را در مبارزه سیاسی جنبش‌های اسلامی مطرح کرد.

پدیده کم‌نظیر «مقاومت» در برابر استبداد داخلی و استعمار و صهیونیسم بین‌المللی، از آثار مهم انقلاب اسلامی است که در جریان پیشروی آرمان‌های انقلابی و اسلامی را به عمق جان ملت‌های عرب نفوذ داد و امروز به خیزش عظیم مردم تونس، مصر، الجزایر، اردن، لیبی و یمن منجر شده است. چنان که رئیس‌جمهور سوریه منشأ قیام کنونی مردم در کشورهای عربی را انقلاب اسلامی دانسته و در گفت‌وگو با *وال/استریت ژورنال* با اشاره به تحولات مصر و تونس، اعلام می‌نماید: «این یک عصر جدید است؛ اما اکنون آغاز نشده است، بلکه با انقلاب ایران در سال (۱۳۵۷) آغاز شده است.»^۲

یکی دیگر از این ارزش‌ها، گرایش به جهاد است. جنبش‌های اسلامی پس از انقلاب اسلامی ایران، جهاد، شهادت و ایثار جان را به عنوان اصول اساسی پذیرفته‌اند. به بیان دیگر، اصولی چون جهاد، شهادت و فداکاری که سمبل حرکت‌های انقلابی شیعیان و شعار انقلاب اسلامی بود، به عنوان اصول اساسی مبارزه پذیرفته و به آن با دیده تکلیف و فریضه دینی نگریسته شد. با برگزاری نماز شکر جنبش اخوان المسلمین در کنار تانک‌های ارتش - که نیروهای ارتشی به مردم پیوسته بودند - و تظاهرات دانشجویان دانشگاه الازهر در خیابان‌ها و همچنین برگزاری نماز برای شهدا و با توجه به اینکه عده‌ای از جوانان مصر برای مبارزه با بی‌عدالتی موجود حاضرند شهید شوند و شهید شدند و همچنین شعارهای مردم برای تغییر نظام و اقدامات ذکرشده، چنین مردمی با اعتقادات شهادت‌طلبی خود به هیچ‌وجه حاضر به زندگی با ظالم نخواهند بود و مرگ با عزت را بهتر از زندگی با ذلت می‌دانند که از انگیزه‌های الهی انقلاب اسلامی مردم ایران است. همه این اقدامات حکایت از قیام مردم مسلمان با انگیزه تغییر نوع حکومت را دارد. طبق

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۸۵.

۲. «عصر جدید با انقلاب ایران آغاز شد»، خبرگزاری فارس، ۱۳۸۹/۱۱/۱۱، ش ۸۹۱۱۱۱۳۶۶.

سخن حضرت علی(ع) نیز حکومت با کفر باقی می ماند ولی با ظلم نه.

شیخ اسعد تمیمی یکی از رهبران فلسطینی در این باره می گوید: «تا زمان انقلاب ایران، اسلام از عرصه نبرد غایب بود؛ حتی در عرصه واژگان، مثلاً به جای جهاد از کلماتی چون «نضال» و «کفاح» استفاده می شد.»^۱ البته جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر، این کلمات را به شکل‌های مختلفی چون عملیات شهادت طلبانه (مثل فلسطین) و یا مبارزه مسلحانه و جنگ (مانند افغانستان) به کار گرفته‌اند.

۴. تغییر در نگاه و نگرش مردمی: ارتقای سطح فکری و بینش سیاسی و اجتماعی نسل جوان در این منطقه از دیگر اثرگذاری‌های انقلاب اسلامی در بین این کشورها است. رویکرد ملت‌های عربی، دگرگونی در ساختار کشورشان در رسیدن به استقلال واقعی می‌باشد. روند تحولات نشانگر نوعی بیداری در میان ملت‌های عرب برای پایان دادن به وابستگی‌های کشورشان به امریکا و نیز پایان دادن به برخی روابط پنهان و آشکار با رژیم صهیونیستی است. این روند را در اعتراضات مردم اردن، تونس، مصر، یمن و عربستان به سیاست خارجی دولت‌هایشان می‌توان مشاهده کرد. هرچند که اعتراضات مردمی در کشورهای عربی در ابتدا به بهانه مسائل اقتصادی و معیشتی بوده است اما در نهایت مردم خواسته اصلی خود یعنی تغییر در ساختار سیاسی کشور را اعلام کرده‌اند. این تغییر هر چند از سوی محافل رسانه‌ای سیاسی عربی و غربی به عنوان تحرکی برای تغییر ساختار داخلی و به اصطلاح پیشرفت دموکراسی و آزادی بوده اما در اصل ریشه آن را می‌توان در نارضایتی مردم از وابستگی دولتمردانشان به امریکا جست‌وجو کرد. مردمی که سال‌ها با استعمار فرانسه و انگلیس در جنگ بوده‌اند اکنون در شرایطی که جهان به سمت استقلال و مقابله با استعمارگران پیش می‌رود پذیرنده حضور دولتی همسو با منافع خارجی (امریکا) در کشورشان نبوده و تغییر آن را خواستارند. آنها همچنین ورود دولت‌هایشان را به جبهه مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی طلب می‌کنند. جالب آن که نارضایتی مردم در کشورهای عربی رخ داده که به صورت پنهان و آشکار با صهیونیست‌ها در ارتباط هستند. از منظر جنبش‌ها و قیام‌های مردمی در تونس، مصر، یمن، اردن، الجزایر و

۱. مهدی بیگی، همان، ص ۱۸۳.



در قرن بیستم ماتریالیست‌های شرقی و غربی به بسط مبارزه علنی خود با دین و باورهای دینی در سطح جوامع پرداختند اما سیر تحولات تاریخی و وقوع انقلاب اسلامی ایران آن‌چنان شرایط موجود را در آخرین سال‌های قرن بیستم تغییر داد که نظریه‌پردازان بین‌المللی و جامعه‌شناسان و... با اعتراف به حیات مجدد دین در جوامع بشری به طرح نظریه «تجدید حیات دینی در قرن بیستم» پرداخته‌اند

لیبی، رژیم صهیونیستی «دشمن» محسوب می‌شود؛ زیرا خاک یا سرزمین عرب‌ها و مهم‌تر از آن، فلسطین را اشغال کرده است و این، یکی دیگر از نکات و ویژگی‌های مشترک خیزش در کشورهای یاد شده است. از دید معترضان، با هر تحلیلی - چه قومی و چه دینی - اسرائیل اشغالگر است و دولت‌های مصر و اردن با آن هم‌پیمان شده‌اند و بقیه دولت‌های عربی نیز، جز لبنان و سوریه، با تل‌آویو همکاری و روابط تجاری و اقتصادی - به شکل مستقیم یا غیرمستقیم - برقرار کرده‌اند. به دلیل همین هم‌پیمانی و همکاری و نیز ضعف مفرط دولت‌های عربی، اسرائیل ظرف ۶۵ سال گذشته هرچه خواسته و هرچه در توان داشته بر سر فلسطین آورده است. در این میان دولت مصر که معترضان، آن را خودکامه و فاسد می‌خواندند با سپردن تعهد تأمین امنیت رژیم اشغالگر قدس و اقدام نکردن به نفع منافع خود و علیه منافع این رژیم، بقای حکومت مادام‌العمر مبارک را به تأیید امریکا، اروپا و اسرائیل رسانده بود که نهایتاً سقوط کرد.

مصر در دوره مبارک ستون فقرات کشورهای موسوم به «محور اعتدال یا سازش» محسوب می‌شد و مأموریت اصلی این محور، کنترل فضا و افکار عمومی جهان عرب بود تا علیه منافع و امنیت رژیم اسرائیل، اقدامی صورت نگیرد. مصر بود که با این رژیم قرارداد صلح امضا کرد. با کمک مصر، اسرائیل توانست در میان فلسطینی‌ها جدایی و تشقت ایجاد کند. با یاری مصر بود که کرانه باختری رود اردن، باریکه غزه اشغال و اکنون محاصره شده‌اند. با کمک دولت مبارک، سران تل‌آویو با توسعه شهرک‌سازی و احداث دیوار حایل و ایجاد پست‌های متعدد بازرسی، کرانه باختری را به صورت جزایر کوچک پراکنده در آورده‌اند و همچنین دو میلیون مردم نوار غزه را به بهانه وجود «دولت حماس» در محاصره‌ای مرگبار قرار داده‌اند. مصر در تضعیف دولت حماس و تأسیس دولت سلام فیاض و نیز تحمیل تعهدات سنگین به فلسطینی‌ها در جریان مذاکرات چند مرحله‌ای آنها با



صهیونیست‌ها، نقش محوری داشته است و به آنها باج و امتیاز داده است.^۱ به باور برخی تحلیل‌گران، مصر با بیش از ۸۰ میلیون جمعیت در زمان رهبری مبارک، آن چنان خدمتی به اسرائیل کرد که هیچ کشور یا دولت عربی و مسلمان دیگر و حتی دولت انور سادات چنین نکرده است. طبیعی است که چنین مسائلی و خدماتی به اسرائیل برای مردم و جوامع عربی اعم از ملی‌گرایان و اسلام‌گرایان قابل پذیرش و تحمل نبوده و نیست. از این رو ملت‌های عربی در جریان این تحولات و با الهام از انقلاب اسلامی نشان دادند که با تکیه بر تعالیم و احکام اسلامی می‌توان قیام کرد و با مبنا قرار دادن ایدئولوژی اسلامی می‌توان حکومت تشکیل داد و آن را اداره کرد. لذا با آگاه شدن از خیانت‌ها و ظلم و جور حاکمانشان و در نتیجه تأثیر آن در تغییر نوع نگاه و دیدگاه‌هایشان در پی سرنگونی رژیم‌های خودکامه و استبدادی برآمده‌اند؛ رژیم‌هایی که بالاترین و بهترین کمک را به امنیت اسرائیل می‌کنند.

۵. **تجدید حیات هویت دینی:** انقلاب اسلامی ایران با بخشیدن حیات دوباره به اسلام و طرح مجدد دین در عرصه زندگی سیاسی و اجتماعی، اسلام و باورهای دینی را به عنوان عامل بالنده و تحرک‌آفرین در سرنوشت جوامع انسانی مطرح نمود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در این زمینه می‌فرماید:

آثار و برکات انقلاب اسلامی بر حرکت‌های رهایی‌بخش و نهضت‌های جهانی اسلام را می‌توان از موج اسلام‌خواهی و گسترش مبارزات انقلابی علیه نظام ظالمانه حاکم بر جهان از خاورمیانه تا شمال آفریقا و از آسیای مرکزی تا قلب اروپا مشاهده نمود. احیای هویت اسلامی در میان مسلمانان، هویت بیداری ملت‌ها و ایجاد نشاط و امید در نیروهای مبارز و انقلابی جهان از ثمرات مسلم و انکارناپذیر انقلاب اسلامی ایران است.^۲

انقلاب اسلامی ایران نخستین تجربه موفق و پیروزمندانه نهضت دینی بود که توانست اهداف و آرمان‌های اسلامی را جامه عمل پوشانده و با در اختیار

۱. زهرا خدایی، «انقلاب تونس بارقه امید برای ۷۰ سال سرخوردگی اعراب»، ۱۳۸۹/۱۱/۱۱، خبر آنلاین، ش ۱۲۷۱۴۷.

۲. سید عبدالقیوم سجادی، «امام خمینی (س) و جنبش‌های اسلامی معاصر»، فصلنامه علوم سیاسی (ویژه یک‌صدمین سال میلاد امام)، س ۱۰، ش ۵، ۱۳۷۸، ص ۳۶۰.

گذاشتن مجموعه تجربیات گران سنگ سیاسی و دینی خود فراروی نهضت‌های اسلامی، امید به پیروزی و توفیق نیل به آرمان ولای این نهضت‌ها را در میان آنها به وجود آورد. تحت تأثیر این تحولات جنبش‌های اسلامی افزایش چشم‌گیری داشت و از خاور دور تا کرانه‌ها و اقیانوس اطلس را در بر گرفت. در این خصوص جنبش‌های رهایی‌بخش در کشمیر، افغانستان، تونس، الجزایر، آسیای میانه و کشورهای حوزه خلیج فارس را می‌توان نام برد. صاحب‌نظران زیادی بر این اعتقاد هستند که تأثیرات انقلاب اسلامی بر تجدید حیات هویت دینی بشر بسیار عمیق می‌باشد. دکتر سعید محمد الشهابی سردبیر مجله معروف و پرتیراژ *العالم* معتقد است که انقلاب اسلامی نه تنها در جامعه ایران بلکه در اکثر جوامع، تأثیر اساسی و بنیادی داشته است. بی‌شک طی بیست سال گذشته هیچ حرکتی به اندازه انقلاب ایران نتوانسته بر جامعه بشری تأثیرگذار باشد؛ دین نقش اساسی و حیاتی در اجتماع دارد و انقلاب اسلامی این نور را بر بشریت تاباند و روشنی بخشید. در قرن بیستم ماتریالیست‌های شرقی و غربی به بسط مبارزه علنی خود با دین و باورهای دینی در سطح جوامع پرداختند اما سیر تحولات تاریخی و وقوع انقلاب اسلامی ایران آن‌چنان شرایط موجود را در آخرین سال‌های قرن بیستم تغییر داد که نظریه‌پردازان بین‌المللی و جامعه‌شناسان و... با اعتراف به حیات مجدد دین در جوامع بشری به طرح نظریه «تجدید حیات دینی در قرن بیستم» به عنوان یک نظریه معتبر علمی طی سال‌های اخیر پرداخته‌اند؛^۱ از آن جمله آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس مشهور انگلیسی در فصلی از کتاب خود با عنوان «پدیده نوزایی دینی» در مورد نقش انقلاب اسلامی در تجدید حیات دینی می‌گوید: دانشمندانی نظیر مارکس و دورکهایم و وبر و امثالهم متفق‌القول بودند در این نظریه یا در بیان با یکدیگر سهیم بودند که دین سنتی، بیش از پیش در دنیای مدرن و امروزی به صورت امری حاشیه‌ای در می‌آید، چراکه در جوامع امروزی دنیوی شدن یک فرآیند اجتناب‌ناپذیر است لذا کمتر کسی از دانشمندان می‌توانست حدس بزند که یک نظام دینی مانند اسلام ممکن است تجدید حیات عمده‌ای پیدا کند و پایه تحولات سیاسی در اواخر قرن بیستم بشود؛ یعنی آنچه در اواخر دهه ۷۰ در ایران به وقوع پیوست.

۱. حمید حاذق‌نیکرو، «صدور انقلاب و حوزه‌های نفوذ فرهنگ انقلاب اسلامی در جهان»، فصلنامه *اندیشه‌پرداز*، ش ۲۶، ۱۳۸۹، ص ۱۱۱-۱۱۰.



به اعتقاد گیدنز پیروزی انقلاب اسلامی به سبب تأثیری که بر خاورمیانه و کشورهای اسلامی گذاشت، حیات پردامنه اسلامی را تجدید کرد. به اعتقاد او ریشه این تحولات در سه چیز است: ۱. جنبه‌ها و ابعاد مختلف دین اسلام؛ ۲. تغییراتی در دولت‌هایی که امروزه نفوذ اسلام در آن جوامع فراگیر است؛ ۳. ارتباط این جوامع با غرب.

در رابطه با نکته اول می‌گویند اسلام دینی است که پیوسته عامل و محرک رفتار و اعمال سیاسی بوده است و قرآن هم کتابی است که پر است از دستوراتی که معتقدین به دین اسلام را به مبارزه در راه خدا فرا می‌خواند لذا منشأ این تحولات در ماهیت اسلام نهفته است. در رابطه با جوامع اسلامی معتقد است همه این جوامع بی‌تحرک و وابسته و در ارتباط با غرب هستند. در رابطه با نکته سوم مطرح می‌کند که ناتوانی جوامع اسلامی در برابر گسترش غرب منجر به پیدایش جنبش‌های اصلاح‌طلبی شد که این جنبش‌ها خواهان بازگرداندن اسلام به صورت یک دین خالص و با همان قدرت اولیه بودند.^۱ همچنین هرایرد کمیجیان استاد دانشگاه امریکا می‌نویسد:

تجدید حیات اسلام و بازگشت به احکام و ارزش‌های اسلامی در سراسر جهان اسلام به چشم می‌خورد. جهان تنها پس از ورود ناگهانی انقلاب اسلامی به قلمروی سیاست و امور بین‌الملل بود که متوجه موج اسلام گردید. با شروع انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ یک سلسله حوادث تعیین‌کننده واژه بنیادگرایی را بخشی از فرهنگ و ادبیات سیاسی، پژوهشی و ژورنالیستی غرب نمود.^۲

تبلیغات وسیع دشمن در جهت اسلام‌هراسی، ایجاد موانع اقتصادی و تحریم، تلاش‌های فراوان برای ایجاد اختلاف میان فرقه‌های اسلامی، خصوصاً ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی، تفرقه‌افکنی میان دولت‌های مسلمان و کوشش برای از بین بردن وحدت امت اسلام و... واکنش‌های غرب در برابر حرکت استوار امت

۱. علی احمدی، «بازتاب انقلاب اسلامی در خیزش‌های کشورهای منطقه»، ۸۹/۱۱/۱۹؛ به آدرس اینترنتی:

<http://sarvenews.ir/id/2179>

۲. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۵۴، ص ۹۳-۹۲.



اسلامی به سوی احیای هویت دینی و بیداری و آزادگی است که راه حل مسئله تأکید بر مؤلفه‌ها و ماهیت حقیقی این بیداری برای جلوگیری از انحراف و مقابله با آن است. اما به نظر می‌رسد آنچه غرب را بیشتر از همه به هراس انداخته، بعد فکری و نظری جریان بیداری اسلامی است. اینکه بعد از قرن‌ها دین‌ستیزی و تلاش برای به حاشیه راندن دین و تئوریزه کردن سکولاریسم و ارزش‌های مادی، امروز جنبشی فراگیر و آزادی‌بخش با محوریت دین در منطقه‌ای حساس و به وسعت خاورمیانه و شمال آفریقا به وقوع می‌پیوندد و معلوم نیست تا کجا ادامه خواهد یافت، کابوسی بس وحشتناک است که تعبیر آن می‌تواند افول اندیشه‌های اومانیستی و رکود ارزش‌های سکولاریستی و لیبرالیستی و در نهایت بن‌بست فلسفی مکاتب مادی باشد و بر این اساس به نظر می‌رسد کم‌کم در جوار کمونیسم باید جایی هم در موزه تاریخ برای لیبرالیسم در نظر گرفت. به یقین آن روزی که معمار حکیم و ژرف‌اندیش بیداری اسلامی، وقوع انقلاب اسلامی ایران را به انفجار نور تعبیر کرد، به رسالت جهانی این انقلاب می‌اندیشید و ایمان داشت که بیداری اسلامی سرآغازی بر بیداری انسانی در جهان خواهد شد.

ب. تأثیرات سیاسی و اجتماعی

الهام‌بخشی انقلاب اسلامی برای جنبش‌ها و خیزش‌های مردمی کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا آثار سیاسی و اجتماعی متعدد و متنوعی را به دنبال خواهد داشت که عبارت‌اند از:

۱. تسریع در روند شکل‌گیری خاورمیانه اسلامی: بیداری و مقاومت اسلامی متأثر از انقلاب اسلامی، تحولات منطقه را وارد مرحله جدیدی کرد که از آن به «تکوین خاورمیانه اسلامی» یاد می‌شود. بر این اساس، امریکا برای ممانعت از شکل‌گیری خاورمیانه اسلامی و هم‌چنین مقابله با بیداری و مقاومت اسلامی، سعی کرد با استفاده از مؤلفه‌های برتری نظامی و ترویج دموکراسی، طرح خاورمیانه بزرگ و خاورمیانه جدید را اجرایی نماید. اما اقدامات او، غرب و رژیم صهیونیستی (جنگ پیش‌دستانه و تهاجم نظامی به منطقه، دولت‌سازی، فرهنگ‌سازی، کشورسازی و...) نتوانست مانع از گسترش بیداری اسلامی و تضعیف و مهار مقاومت اسلامی شود و بر عکس اشتباهات آنها با پیروزی مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه، از یک سو عامل برجسته‌تر شدن رهیافت مقاومت اسلامی شد و از سوی دیگر روند تحولات تکوین خاورمیانه

اسلامی را پرشتاب‌تر از قبل کرد.

در این راستا، ریچارد ان هاس رئیس شورای روابط خارجی امریکا در نوشتاری با اشاره به رشد فزاینده اسلام‌گرایی در منطقه می‌نویسد: «اسلام به نحو فزاینده‌ای خلأ سیاسی-فکری جهان عرب را پر خواهد کرد و پایه سیاست اکثر ساکنان منطقه خواهد بود؛ سوسیالیسم و ناسیونالیسم عربی به گذشته تعلق دارد.»^۱

۲. **چالش با غرب:** همان‌گونه که موج جدید انقلاب اسلامی در چالش با غرب بر بستر احیای عدالت و مبارزه با فقر و تبعیض و اشرافیت شکل گرفت و استکبار داخلی و خارجی را همزمان هدف قرار داد، خیزش جدید ملت‌های خاورمیانه نیز متأثر از انقلاب اسلامی در نخستین گام فقر، تبعیض، فساد و ناکارآمدی اشرافیت دیکتاتوری مورد حمایت غرب را هدف گرفته است؛ از جمله خصوصیات و وجوه مشترک خیزش و قیام‌های مردمی و حزبی در تونس، مصر، یمن، اردن، الجزایر و لیبی به چالش کشاندن راهبرد، سیاست‌ها و برنامه‌های کشورهای غربی به ویژه امریکا، فرانسه و انگلیس برای منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه است. اکنون این کشورها در وضعیت دشواری برای تعیین استراتژی (راهبرد)، سیاست و برنامه‌های منطقه‌ای خویش در قبال تحولات جاری قرار دارند. تردیدی نیست که دیکتاتورهای عرب به دلیل این که طی دو، سه دهه گذشته متحد نزدیک فرانسه و انگلیس و امریکا بوده‌اند از حمایت آنها برخوردارند. تاکنون وجود این دولت‌های دیکتاتور و استبدادی باعث می‌شد ۱. مواد خام و انرژی (نفت و گاز) غربی‌ها تأمین شود. ۲. جوامع آفریقایی و خاورمیانه بازار مصرف برای کالاهای تولیدی غربی باشد. ۳. آنها بتوانند بر جریان مهاجرت به غرب تسلط داشته باشند. ۴. با تروریسم و گروه‌های تروریستی مانند القاعده و طالبان مبارزه کنند. ۵. وجود و امنیت اسرائیل و برتری نظامی و اقتصادی آن را در منطقه تضمین نمایند. ۶. از رسیدن جریان اسلام‌گرا به قدرت جلوگیری کنند، حتی اگر در این راستا نقض اصول و مبانی دموکراسی لازم باشد؛ زیرا معتقدند که اسلام‌گرایان منافع آنها و سران تل‌آویو را به خطر می‌اندازند. به همین دلایل به دقت می‌کوشند شرایط را در کشورهای عربی مدیریت کنند.

۳. **تقویت جبهه مقاومت و تضعیف خط سازش:** پیروزی انقلاب اسلامی

۱. «نگاه راهبردی به تحولات و انتفاضه مردم مصر»، ۱۳۸۹/۱۲/۲، پایگاه جامع و تخصصی جنگ نرم.





در ایران در سال ۱۳۵۷ این توهم را که پس از شکست‌های مکرر ارتش‌های عرب در مقابل غرب و رژیم صهیونیستی، مبنی بر اینکه هیچ‌امیدی به نتیجه‌بخش بودن قیام در مقابل حکام دست‌نشانده خود و بهبود وضع موجود ندارند، به کلی دگرگون ساخت. البته با درگیر شدن ایران در جنگی تحمیلی و ناخواسته تا حدودی این امید در بین ملت‌های منطقه کمرنگ شد اما با پیروزی ایران در جنگ تحمیلی و ارایه الگوهای جدید از پیشرفت و استکبارستیزی طی ۳۲ سال گذشته و همچنین پیروزی‌های مقتدرانه حزب‌الله لبنان در سال ۲۰۰۰ که منجر به عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از جنوب این کشور شد و پیروزی در جنگ ۳۳ روزه و همچنین مقاومت جانانه مردم غزه در برابر ۲۲ روز حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی که همگی نوید ثمربخش بودن پایداری و مقاومت در برابر حاکمان ظالم و قدرت‌های استکباری را می‌داد، ملت‌های منطقه از یک سو دستاوردهای حضور در جبهه مقاومت را مشاهده کرده‌اند و از سوی دیگر از این امر که کشورهايشان به دلیل وابستگی به امریکا و صهیونیست‌ها نتوانسته‌اند از چنین موقعیتی برخوردار شوند با نوعی احساس یأس و ناامیدی مواجه شده‌اند. ملت‌های منطقه از جمله مصر و اردن این انزوا و حقارت را نتیجه هم‌گرایی دولت‌هایشان با امریکا و صهیونیست‌ها دانسته و تنها راه مقابله با این روند را پیوستن به جبهه مقاومت و پایان دادن بر سلطه امریکا بر کشورهايشان با تغییر دولت‌های دست‌نشانده می‌دانند.^۱ ملت‌های منطقه با درک این حقیقت تلخ که دولت‌های حاکم بر کشورها با سازش و دوری از مقابله با رژیم صهیونیستی و حمایت نکردن از ملت مظلوم فلسطین در چارچوبی مغایر با امت اسلامی و منطبق بر خواست حامیان فرامنطقه‌ای رژیم جعلی اسرائیل و حفظ قدرت نامشروع خود به روند سازش روی آورده‌اند و حتی از اجرای تعهدات اولیه نسبت به حمایت‌های انسانی-اسلامی نسبت به مردم مظلوم غزه سر باز زدند، به خشم آمده و برای خروج از این حقارت و بازسازی جایگاه متزلزل بین‌المللی خود سعی نموده‌اند تا با ایجاد تغییرات اساسی و تشکیل دولت‌های همسو با جبهه مقاومت با تحولات منطقه همراه شوند؛ در حالی که جبهه مقاومت در حل بسیاری از چالش‌های منطقه نقش فعالی دارد که رایزنی‌های صورت‌گرفته برای حل مسائل عراق، لبنان و فلسطین نمودی از این جایگاه است.

۱. قاسم غفوری، «هراس امریکا از دگرگونی چهره خاورمیانه»، جامجم، ۱۳۸۹/۱۱/۱۱، ص ۱۰.

در مجموع اقدامات جبهه مقاومت خشم و انزجار امریکا و صهیونیست‌ها را به همراه داشته است؛ به ویژه اینکه بازیگری جبهه مقاومت با پیوستن سایر کشورهای آزادی‌خواه و از بند استبداد رهاشده اخیر در تحولات جدید خاورمیانه می‌رود، تا ضمن انزوای رژیم صهیونیستی، منافع امریکا را در منطقه تحت‌الشعاع قرار دهد. سران تل‌آویو که تاکنون خود را در محاصره حماس و حزب‌الله می‌دیدند، از این پس و در صورت تغییر ساختار سیاسی در مصر و اردن، از ناحیه این دو کشور هم احساس آرامش کامل نخواهند داشت و در ضمن دایماً نگران بروز تحولات مشابه در سایر کشورهای عربی خواهند بود. آنها می‌دانند که در صورت موفقیت قیام‌های مردمی و سقوط دولت‌های خودکامه عربی، موضع مقاومت اسلامی در منطقه خاورمیانه قوی‌تر خواهد شد و مفهوم سازش در برابر مفهوم مقاومت، ضعیف شده و حماس هم می‌تواند از این دوره فترت، برای تأمین نیازهای خود از جمله سلاح، بهره‌برداری کند. زمامداران اسرائیل به این نکته واقفاند که با سرنگونی سیستم‌های استبدادی به ویژه اردن و مصر، ممکن است واگرایی نظامی دموکراتیک آینده در این کشورها با غرب و امریکا افزایش یابد و هم‌گرایی آنها با شرق، به خصوص ایران، چین و ژاپن تقویت شود.

از این جهت است که تظاهرات و قیام مردم تونس، یمن، اردن و الجزایر در مطبوعات و دیگر رسانه‌های رسمی رژیم صهیونیستی بازتاب گسترده داشته و مسئولان این رژیم را نگران کرده و به واکنش واداشته است؛ به گونه‌ای که از اتحادیه اروپا و امریکا خواستند مانع فروپاشی رژیم‌های مصر و اردن - تحت تأثیر خیزش تونس - بشوند. بیشتر کارشناسان و تحلیل‌گران اسرائیلی حوادث تونس، لبنان، مصر و اردن را مربوط به هم دانسته‌اند. مردخای گیدار کارشناس و پژوهشگر مرکز تحقیقاتی بیگین - سادات در روزنامه *اسرائیل‌الیوم* نوشت:

تئوری و حرکت دومینو که در تونس آغاز شده به سرعت به مصر رسید و مخالفان دولت این کشور که ابتدا با جانمایی جمال مبارک مخالف بودند تحت تأثیر تحولات تونس و نیز مسائل اقتصادی و معیشتی که طبقات متوسط و فقیر از آن رنج می‌بردند، خواهان سقوط نظام بسته‌ای شدند که از سال ۱۹۵۲ میلادی بر سر قدرت بوده است... شعار مخالفان و تظاهرکنندگان مصری تونس هوالحل بوده؛ یعنی الگوی تونس





مؤسسه سلطنتی چتم هواس انگلیس که متشکل از ۱۷ محقق برجسته انگلیسی است در ارزیابی از قدرت ایران و امریکا پیش‌بینی کرد که «سیر تحولات خاورمیانه نشان می‌دهد امریکا قدرت رقابت خود را با ایران از دست داده است. در حالی که موج نفرت عمومی از تصمیمات، عملکرد و سیاست امریکا در کشورهای اسلامی و عربی رو به افزایش است، ایران محبوبیت و دامنه نفوذ خود در منطقه را گسترش داده است.»

که موجب فرار زین العابدین بن علی شد، پیش روی آنهاست.^۱

۴. رفتن به سمت نظام‌های ضد استبدادی

اسلامی: اگر نتایج ملموس قیام‌های خاورمیانه عربی را گسترش نظام‌های مردم‌سالاری در این منطقه بدانیم، طبیعی است که سهم عمده آن در سایه بیداری اسلامی از آن «مردم‌سالاری دینی» خواهد بود که تجربه دوران حاکمیت‌های دیکتاتوری در دوره مبارک و بن‌علی در شمال آفریقا هم این مدعا را ثابت می‌کند. به‌رغم تلاش نظام سلطه در طراحی توطئه استعمار نوین و روی کار آوردن رژیم‌های وابسته با رأی مردم و به چالش کشاندن الگوی نظام جمهوری اسلامی، مردم‌سالاری دینی به عنوان یکی از عالی‌ترین و شکوه‌مندترین دستاوردهای انقلاب و نظام امروز تجربه ارزشمندی را فرا روی بشریت قرار

داده است و گسترش موج گرایش ملل و جوامع به سمت پیام‌های انقلاب اسلامی و تأسی به الگوی حکومتی مورد گزینش ملت ایران، بیانگر ناکامی و شکست راهبردها و سیاست‌های استکبار جهانی در این عرصه می‌باشد.

۵. احیای جریان بیداری اسلامی: وقوع انقلاب اسلامی در ایران، بیداری

اسلامی در دنیا را رقم زد. موج بیداری اسلامی که امروز می‌رود شمال آفریقا و کشورهای خاورمیانه‌ای را در بر بگیرد مهمترین اقدام جدی است که انقلاب اسلامی ایران از ۳۲ سال پیش طنین‌انداز کرده است. امروز به رغم تلاش‌های فراوان جبهه استکبار و رنگ باختن نگاه‌های ناسیونالیستی و قومیت‌گرایی، بازگشت به اسلام و خویشتن دینی به رغم تبلیغات فریبنده غربی و فضای سکوت و رعب‌آور سران خائن وابسته عربی، در بین ملت‌ها و توده‌های امت اسلامی طنین‌انداز شده است. به صورت بارز بیداری اسلامی در تونس، مصر، الجزایر و یمن توانست نظام سلطه جهانی را با چالش‌هایی روبه‌رو کند. تحولات اخیر خاورمیانه در حقیقت

۱. رندی حیدر، *النهار*، ۲۰۱۱/۲/۴.



نوعی بیداری اسلامی و نهضت بازگشت به خویشتن را ابتدا در ملت تونس و سپس در سایر کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا رقم زد. مسئله‌ای که بدون شک ریشه در گفتمان استکبارستیز و استقلال‌طلبانه و دین‌مدار انقلاب اسلامی ایران دارد. به عبارت دیگر پیروزی انقلاب اسلامی در اواخر قرن بیستم و در فضایی که این قرن به قرن انقلاب‌های غیردینی و بلکه ضددینی مشهور شده و به عقیده بسیاری از تحلیل‌گران آن دوران، دین از صحنه سیاست کنار رفته بود، خط بطلانی بر این گونه نظریات کشیده و توانست طی ۳۲ سال به الگویی برای دیگر کشورها تبدیل شود و در تحولات اخیر به عاملی برای تداوم حرکت‌های مردمی مبدل گردد. بیداری امت اسلام که با انقلاب اسلامی ایران کلید خورد، پیش از این توسط امام راحل نوید داده شده بود:

کشورهای اسلامی و مستضعفان جهان قدرت اسلامی خود را بیابند و از عریده‌های شرق و غرب و وابستگان و تفاله‌های آنان نهراسند و با اعتماد به خداوند تعالی و اتکال به قدرت اسلام و ایمان به پاخیزند و دست جنایتکاران را از کشورهای خود کوتاه نمایند.^۱

رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی ایران در تحولات اخیر و همچنین شکسته شدن ابهت غرب و در رأس آن امریکا و اسراییل، حرکت کنونی منطقه را نتیجه انباشت تدریجی انگیزه‌ها، فکرها و تصمیم‌ها دانسته و تأکید کردند:

این موضوع نشئت گرفته از ایستادگی و ثبات ملت ایران و نشانه‌های خوب پیشرفت در ایران اسلامی است. صورت عزت ملت، سربلندی سیاسی نظام اسلامی، پیشرفت‌ها و نوآوری‌ها در عرصه‌های مختلف علمی و اقتصادی و کوتاه نیامدن در مقابل قدرت‌های زورگو، تداوم پیدا کرده و اکنون به الگویی برای ملت‌های منطقه تبدیل شده است.^۲

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۶۱.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از فرماندهان و مسئولان نظامی و انتظامی، ۱۳۹۰/۲/۱۴.



نتیجه‌گیری؛ چشم‌انداز تحولات

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، از سوی بسیاری به عنوان یکی از مهمترین حوادث و رویدادهای تاریخ معاصر تلقی شده است. بخشی از این امر مربوط به ایجاد خیزش و شوری است که در میان ملل تحت ستم در سراسر جهان به طور کلی و ملت‌های مسلمان منطقه به طور خاص به وجود آورده است. انقلاب اسلامی انعکاس زیادی در ورای مرزهای خود داشته است و به لحاظ طرفدارانی که جلب کرده به عنوان یک نیروی مؤثر توسط دیگر کشورها عنوان شده است. انقلاب اسلامی به مسلمانان هویت بخشید و موجب شد تا مسلمانان با درک جایگاه و اهمیت اسلام و نقش دین در سیاست اعتماد به نفس از دست رفته را بازیابند و حرکت‌هایی را برای مبارزه و استبداد و استکبار آغاز نمایند. انقلاب اسلامی به عنوان نقطه آغاز خیزش تفکر اسلامی و بیداری اسلامی است، لذا ظهور و نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری انقلاب اسلامی، بارزترین مشخصه مشترک در میان مجموعه خیزش‌های به هم پیوسته و دنباله‌وار جاری در خاورمیانه و شمال آفریقا است. به عبارت دیگر هر چند اشتراکات دیگری نیز در کنار برخی تفاوت‌ها در این تحولات پی‌درپی دیده می‌شود اما رد پای انقلاب اسلامی را می‌توان در هر یک از این خیزش‌ها پی گرفت. این انقلاب توانسته در زمینه تأثیرگذاری فکری، صدور تفکر مقاومت و مبارزه با استعمار، امپریالیسم، استبداد و خودکامگی در عرصه‌های مختلف نقش‌آفرینی کند.

انقلاب اسلامی ایران به دلیل جذابیت در شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا و نتایج حرکت‌ها و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیطی - منطقه‌ای و بین‌المللی، پدیده‌ای اثرگذار در جهان و به خصوص جهان اسلام بوده است. پیش از انقلاب اسلامی ایران، مردمان مسلمان منطقه خاورمیانه هیچ امیدي به ایجاد حکومت قدرتمند اسلامی نداشتند و شاید هم تحقق این امر را محال می‌پنداشتند. اما با ظهور انقلاب اسلامی ایران و سرنگونی ژاندارم امریکایی منطقه، خاورمیانه و اعراب به این باور رسیدند که آنان نیز می‌توانند پیروز باشند و اساساً می‌توان یک حکومت کاملاً اسلامی را بنا نهاد. از سوی دیگر اوضاع پیش از انقلاب اسلامی ایران بسیار خفقان‌آور بود و مردم مسلمان این منطقه در ظلم و جور فرمانروایان وابسته خویش به سر می‌بردند. لذا با پیروزی انقلاب اسلامی ایران فضای حاکم شکسته شد و مردم توانستند با پشتیبانی معنوی انقلاب اسلامی حرف خود را به فرمانداران

خود برسانند. به زعم بسیاری از صاحب‌نظران، حوادث و رخداد‌های کنونی در تونس و سایر مناطق عربی خاورمیانه نشانی از تبلور آزادی‌خواهی و مبارزات انقلاب اسلامی در منطقه است. اگر سه دهه پیشین بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی مسئله صدور انقلاب را مطرح می‌کرد شاید کمتر کسی باورش می‌شد که انقلاب ایران تنها پس از سه دهه این چنین تأثیر خود را بر منطقه بگذارد که کشورهایمانند مصر و تونس نیز با تأسی به این انقلاب در برابر دیکتاتورها بایستند و فریاد الله‌اکبر سر دهند. به عنوان مثال اخیراً دبیر کل حزب اسلامی کار مصر تأکید کرده بود که انقلاب اسلامی ایران امروز الگوی انتفاضه مصر و خیزش‌های مردمی در دیگر کشورهای عربی است. وی گفت که پیروزی خون بر شمشیر وجه مشترک انتفاضه مردم مصر با انقلاب اسلامی ایران است.^۱

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر ملل آزادی‌خواه جهان دارای ابعاد و جنبه‌های گوناگونی است که بخشی از آن را می‌توان در قالب گرایش‌های ایدئولوژیک و فکری به انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در ایران تبیین کرد. اما در بعد دیگری نیز انقلاب اسلامی بر جریان‌های آزادی‌بخش و جنبش‌های مبارز در سطح جهانی و به ویژه در جهان اسلامی تأثیرگذار بوده است. این تأثیرات را می‌توان در تشابه شعارها و الگوپردازی از روش‌های مقاومت و مبارزه مردم ایران با شاه دید. انقلاب اسلامی به لحاظ ماهیت اسلامی از همان اوایل پیروزی یکی از شعارها و اهداف اصلی خود را یاری رساندن به ملل اسلامی و نیز حرکت در مسیر تحقق امت واحده قرار داده که این اندیشه در کلام امام خمینی (س) بارها تجلی پیدا کرده است. بنابراین می‌توان گفت که تأثیر انقلاب اسلامی در جنبه‌های فردی و اجتماعی، فکری و عملی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در منطقه و جهان اسلام کم یا زیاد، مستقیم یا غیر مستقیم، فوری، میان‌مدت و درازمدت واقع شده است. اما تفاوت تأثیرها در مناطق مختلف، از یک‌سو بستگی به اوضاع و شرایط خاص هر منطقه و قرابت‌های فکری، فرهنگی و جغرافیایی داشته و از سوی دیگر وابسته به میزان اهمیتی است که ایرانیان برای هر منطقه قایل بوده و توجه و توان متفاوتی

۱. عارف بهرامی، «تأثیرات انقلاب اسلامی بر خاورمیانه»، ۱۳۸۹/۱۲/۳؛ به آدرس اینترنتی:



به هر کشور معطوف کرده‌اند.^۱

به طور کلی بحث از تأثیر و نقش اسلامی ایران در بیداری مسلمانان جهان و جنبش‌های رهایی‌بخش و به خصوص خیزش‌های اخیر مردم در کشورهای عربی خاورمیانه به معنی و مفهوم آگاهی‌بخشی، خیزش تفکر اسلامی، ایجاد و تقویت اعتماد به نفس مسلمانان، خیزش اندیشه‌های وحدت‌بخشی میان مسلمانان و تقویت سازمان‌های اسلامی در جهان اسلام، پایان دادن به رفتارهای ذلت‌بار جهان اسلام در برابر غرب، احیای هویت واحد جهانی، مبارزه با ناسیونالیسم و برقراری اتحاد جهان اسلام در برابر غرب، تبدیل شدن به الگو برای ملت‌های منطقه در مبارزه با استبداد و استکبار، اثبات نقش مذهب و اسلام در بسیج توده‌ها و کارآمدی مدیریت دینی و اسلامی در عرصه سیاست و حکومت و نقش آنان در اعتراضات و خیزش‌ها و مقاومت کشورهای مختلف عربی خاورمیانه است.

تغییر در نوع نگاه کشورهای بزرگ به حل و فصل مسائل، بازنگری در ساختار و قواعد نظام بین‌المللی، پرهیز از یک‌جانبه‌گرایی و پذیرش جایگاه و نقش مسلمانان در عرصه جهانی و آغاز روند افول قدرت رژیم صهیونیستی در ابعاد داخلی و منطقه‌ای و جهانی ضرورت‌هایی هستند که اگر مورد توجه کشورهای بزرگ قرار نگیرند در اعتراضات مکرر کنونی و امواج انقلابی و مردمی در جهان اسلام و پس از این در بسیاری از کشورهای دیگر، به نمایش گذاشته خواهند شد.

آینده‌نگری نسبت به تحولات منطقه، واقعیت جابه‌جایی بنیادین قدرت در بازیگران داخلی و کاهش نفوذ شدید بازیگران فرامنطقه‌ای را بیش از پیش مبرهن می‌سازد. این شرایط، رژیم اشغالگر قدس را در ضعیف‌ترین حالت قرار داده و بحران موجودیت و بقا را برای آن رقم می‌زند. تغییر در نوع و ماهیت هر کدام از رژیم‌هایی که درگیر تحولات خاورمیانه شده‌اند بنا به اذعان بسیاری از صاحب‌نظران سیاسی، توازن استراتژیک در منطقه را بر هم خواهد زد. بر این اساس کارشناسان معتقدند که این مهم بدون شک منجر به تقویت محور جمهوری اسلامی ایران در برابر محور امریکا، غرب و رژیم صهیونیستی خواهد شد. چنین شرایطی محوریت ایران را در خاورمیانه بیش از پیش تثبیت خواهد کرد؛ همچنان که خاور سولانا، مسئول سابق هماهنگ‌کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا تصریح کرده بود: «ایران برای

۱. محمدباقر حشمت‌زاده، تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۳۰۰.



نخستین بار رهبری منطقه خاورمیانه را به دست گرفته است. ایران آنقدر برگ برنده در دست دارد که به یک قدرت درجه اول در جهان تبدیل شود. «همچنین پیش‌تر از این مؤسسه سلطنتی چتم هواس انگلیس که متشکل از ۱۷ محقق برجسته انگلیسی است در ارزیابی از قدرت ایران و امریکا پیش‌بینی کرد که قدرت نرم ایران حرف آخر را خواهد زد. این مؤسسه در گزارش خود تأکید کرد که «سیر تحولات خاورمیانه نشان می‌دهد امریکا قدرت رقابت خود را با ایران از دست داده است. در حالی که موج نفرت عمومی از تصمیمات، عملکرد و سیاست امریکا در کشورهای اسلامی و عربی رو به افزایش است، ایران محبوبیت و دامنه نفوذ خود در منطقه را گسترش داده است.»^۱ غرب در نقطه اوج منحنی رشد خود دوران افول را آغاز کرده و در موضع انفعالی قرار دارد. اما نهضت بیداری جمهوری اسلامی در آغاز خیزش انقلاب به سرعت حرکت تکاملی را تجربه می‌کند؛ حرکتی که هر چه پیش می‌رود به چشم‌انداز آرمانی خود نزدیک می‌شود و با اعتماد به نفس تمام در حال ویران‌سازی بنیادهای سیاسی و حقوقی غرب در منطقه است.

روندکاوی این خیزش‌ها، مبین این واقعیت است که در میان‌مدت، خاورمیانه جدیدی در شرف شکل‌گیری است که با ساختار فعلی تفاوت‌های قابل توجهی خواهد داشت. بخش قابل توجهی از این تغییرات پیش‌تر توسط مقام معظم رهبری با مطرح کردن «خاورمیانه اسلامی» پیش‌بینی شده بود. ایشان در دیدار با شرکت‌کنندگان افتتاحیه همایش غزه مورخ ۸ اسفند ۱۳۸۸ فرمودند: «بر اساس حقایقی که خداوند متعال تقدیر کرده است خاورمیانه جدید شکل خواهد گرفت. این خاورمیانه، خاورمیانه اسلامی خواهد بود.»^۲ شکل‌گیری خاورمیانه اسلامی واقعیتی است که نخبگان امریکایی و اروپایی نیز بدان معترف می‌باشند. در همین رابطه گراهام فولر در یادداشتی با عنوان آینده اسلام سیاسی تصریح می‌کند: «اسلام تنها آلترناتیو منطقه است و سیاست‌های غرب و امریکا مانع از روند رو به پیشرفت آن نخواهد شد، بلکه موجب تسریع و شتاب آن نیز می‌گردد.»^۳

۱. «امریکا قدرت رقابت خود با ایران را در خاورمیانه از دست داده است»، سایت خبری-تحلیلی پارسپرس، ۱۳۸۹/۱۱/۲۰؛ به آدرس اینترنتی:

<http://www.parsapress.ir>

۲. برای مشاهده متن کامل بیانات ایشان رک: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: <http://www.leader.ir/langs/far>

۳. «امریکا قدرت رقابت خود با ایران را در خاورمیانه از دست داده است»، همان.



چنین دگر دیسی گفتمانی در خاورمیانه در پرتو انقلاب اسلامی، اولویت‌هایی را که در سه دهه اخیر، سیاست منطقه‌ای امریکا را شکل داده و شامل پیشبرد روند مذاکرات سازش، و حمایت از متحدان امریکا بوده، اکنون در ادامه مسیر خود با چالش‌های بسیاری روبه‌رو ساخته است؛ چرا که روند هارمونی تحولات خاورمیانه حکایت از شکل‌گیری خاورمیانه اسلامی با اندیشه و ایده اسلامی و ملهم از انقلاب اسلامی ایران دارد و به واقع برآیند مدل خاورمیانه اسلامی افزایش میزان نفوذ ایران و کاهش نفوذ امریکاست.